ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع

ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

ا ب ت ث ج ح خ

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س

غضبفر طبشذ زسواخ

قسم دیگر از سر و کتاب حجاب

غ ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

طلحه کصدقت معجت

حب کسنه

٢٠

٨	۶	۴	٢
۴	۴	۶	٨
٢		٢	۴
۴	٢	٨	۶

٢٠

۴	۶	۴	۶
۶	۴	۶	۴
۶		۶	۴
۴	۶	۴	۶

٨	[illegible]	١۴	١
١٣	٢	٧	١٢
[illegible]		٩	۶
١٠	۵	[illegible]	١۵

ه

ب	[illegible]	ط
ز	ه	ج
ح	ا	و

هو العلی

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوة علی رسوله محمد وآله اجمعین

اما بعد بر ضمیر منیر ارباب حکمت خدای نماند که علمای علم حروف از نام [illegible] مراتب حروف [illegible]
ورسایل که درین فن نوشته اند طریق تکسیر حروف و نتایج آن را برموز و عبارات گفته اند
واین در لغت را چنانکه هر کس دریابد نگفته اند و زبدهٔ آن که مختصر تحقیق حروف و عدد ابجد را اسما جمع
مکشوف کرد اند و سر آن نهفته نداده اند که هر کس برای این [illegible] و حجت عالم [illegible] و روی
بوس عرضه دارند و از جناب امیر المؤمنین صلوات الله علیه و [illegible] فی الجنة [illegible]
[illegible] آن [illegible] و [illegible] اما معدنات نتایج تکسیر [illegible]
بر هر کوکبی از کواکب سبعه و [illegible] از ملائکه موکل [illegible] تا محمد [illegible] کو با شرف کوکب باشند
بنا بر شرف و [illegible] ملائکه این است که نموده شد ل ابا ئیل ب بجرادح هیائیل
س کلمیثاه البموئن ی اشکی رتقوائیل فصل بدانکه بر هر حرفی
از بروج دوازده گانه نیز از ملائکه موکل اند بر هر برجی [illegible] ملائکه این است هنائیل
بلر حمیل ا دحمائیل ب سرائیل ج بمقائیل ک سراطیل ه
رتقائیل و صماکیل ف صرصائیل م سمواطیل ط طوتائیل
ی جمکیائیل یا فقیائیل فصل بدانکه بر هر حرفی از حروف ۲۸ گانه
نیز ملکی از ملائکه موکل است [illegible] ملائکه موکلهٔ حروف مذکوره این است که [illegible] اسفا
اسرافیل ب جبرئیل ت عزرائیل ث میکائیل ج کالائیل
ح مکائیل خ مهکائیل د دردائیل ذ اهراطیل ر شرقیائیل
ز امواکیل س هواکیل ش همواکیل ص طکیائیل ض
ع لروائیل رهمائیل ط اثماعیل ظ بروائیل غ لوماطائیل غ لوخمائیل
ف ترجاکیل ق عطرائیل ک [illegible] ل طاطائیل م دبائیل

فصل ائل کبطائل ی ائل بانامه دوره ائل ه ائل وقبائل والاوح ن

ب ترتیب بدین ترتیب کرده شد قسمت که گذاره از دوح بر ترکیب نجب خانه ۲ حروف که بر

ی باد و آب حار زده شد قسمت بر حرف که برنج است این طبیعت در دو زده ازین آب و خوب و

قسمت بدین بند و گوشه بدانند رسد که شده داده رز شمشه فف ش ح ط ه ع ا

غ ص ی ی ق آتی هوا طبع رطب حار حفش ح ط ه ک ه ع ا ها

ظ غ ض ص ق ب قسمت بدین است و لو ادرنس ازو چون که شده داده هوا شمشه ض ف ظ ا

خاک گرم داده هم مطلی شمشه و ون زف ل س آبی طبیعت بارد ی ظ ک ض ی ی

خاک ایلو بارد باد و نوبی ز ز ل و س ج قسمت بدین است ب و ح ت ب خرب

اجم قسمت بدین است اصل و بنو روک شده داده ی شمشه ذ ت خ ب ز م ج

ترکیب کرده قسم چهار دیگر القسم ازه شمار ه حروف که [illegible] فصل ذ ن ط خ ج ه

بدینه اعراب قاعده با بی شد اعراب حمل تکسیر اگر ه درانه داده با اعراب تکسیر دو انفراد

ا ست این شیر مضموم محاره مفرده حروف اند قرار طرز از وزان [illegible]

حروف ترکیب است فتح اشتر هرجا ترکیب در اینها اعراب ع ن م ل ع و

حاکمیه محروف باد مفرده حروف تلمیع او مذکوره حاره مضموم

ا جم حکم هرجا ترکیب در اینها اعراب ق ض غ ظ خ د ب است این

آمیه زه مکسور طبیه مفرده حروف خضعضق بد مذکوره بعد حروف ترکیب

است مفتوح ترکیب در اینها اعراب ط ص ذ ر ش ت [illegible] است این

اعراب حروف [illegible] شد هرجا است [illegible] طبیه حروف ترکیب

ست ف س ک ز ج است این مضموم مجروره یا مفرده حروف

مذکوره مضموم یا حروف ترکیب است [illegible] هرجا ترکیب در اینها اعراب ح

[illegible] حروف این علم محققان از طایفه نزد که بدان فصل کشف حجز

قسمی دیگر است بحسب طبیعت حروف و تلازم رطوبت و یبوست با حرارت و رطوبت

و یبوست با برودت و باین قسم ایشان را اعمال غریبه تجربه شده و علوم طلسمیه و آن قسمت

این است نار بوینصتض هوا اهطمفشذ ابهن دحلعرخغ ماء

جزکسقثظ و بعضی گفته‌اند که این قسمت بحسب طبیعت حروف مفرده گفته‌اند و بر این تقدیر

الف حاره بی بارده جیم رطبه دال یابسه فقط بدانکه حروف مفرده را قسمت دیگر کرده‌اند بحسب

کواکب سبعه چنانکه از حار و بارد و رطب و یابس از هر یکی حرفی گرفته‌اند بر ترتیب و با عرابی که

خاص است بوی بکواکب داده‌اند بر این وضع زحل اجهث ی قبنادذخ

بکشغ س لسنظ ه مفدغ د ننصض ها حطق و در اعمال تکسیر حاجت

که محتاج بحروف کواکب شوند رجوع باین باید کرد چنانکه در ۱۳ او هم ابجد بحسب حروف

ه و ی باید و در بعض حروف ل و خ فقط در بجع و بکار رفته اوقات نیاز ضرور است

پس می‌باید که بدانیم که روز زهره آدینه و شب زهره شب شنبه است و روز مشتری پنجشنبه است

و شب مشتری شب دوشنبه است و نیز باید که ساعات هر یک از مشتری و زهره بدانیم تا عمل درست آید

بخورات عود و مشک و شکر و قسط و زعفران و عنبر و قشور خشخاش بخورات ای سعد

دستند و روس عود و ... و این مقدار اجزا مساوی باید که ... فقط بدان

ابدا که تمام ... که صاحب تکسیر را از معرفت ... عمل ... اعمال باشد

و از سر دانش عمل بعید کرده باشد فائدة جامعة عمل تکسیر چنان که معلوم خواهد شد سه نوع است

نوع اول تکسیر استاده است که هر یکی خاصیتی دارد در غایت آن است که چون تکسیر اسمی کرده

حروف سطر اول در آخر سطر باز یابد اعداد آن حروف جمع کند بحساب تهجی و بر ... ثبت

حروف تکسیر مربعی وضع کند بطریق طبیعی از دو ... که خاصیت آن ... پیدا

گردد چنانچه در اسم الحی القیوم نموده می شود و باقی اسماء الله العزیز را بر این قیاس
می باید کرد و هذا المثال للتکسیر و در این نوع تکسیر خود ما قطب وقت شیخ سنان
بر آن نقش کند از زر یا نقره یا نگین یا حریر ... آن که کیفیت و تکسیر هر اسم و خاصیت کرده باشد
چیزی دیگر نیست نوع دوم چون خواهد میان دو کس الفت و محبت پدید آید حروف اسم طالب را
در سطری بنویسد و حروف اسم مطلوب را در پهلوی آن در سطر دیگر بنویسد بر این مثال که نوشته
می شود میان حسن و علی و الکاف بر قاعده که در حی و قیوم گفته شد تکسیر کند تا آن سطر تمام باز آید
بر این صورت ۳۰ پس حرف های اول سطر که آن را صدر خوانند فرا گیرند و در یک سطر ثبت
کنند و حروف های اواخر سطور که آن را موخر گویند نیز فرا گیرند و در یک سطر ثبت کنند در
پهلوی صدر بر این مثال ح ی ن ل ع س ح   ی ن ل ع س ح ی پس
از این هر دو سطر صدر و موخر یک سطر بیرون آرند و آن را در یک سطر ثبت کنند و طریق
بیرون آوردن ... سطر مذکور از صدر و موخر بر این مثال که یک حرف از سطر صدر گیرند و یکی
از سطر موخر بر این مثال ح ی ی ن ن ل ل ع ع س س ح ح ی و این سطر را
سطر متولد السطرین گویند پس حروف این سطر متولد را آنچه ممکن باشد پیوسته بنویسند و اعراب
بزنند چنان که در اعراب حروف گفته شد ... بر این مثال حسین

ح ی ق ی و م
م ح و ی ی ق
ق م ی ح ی و
و ق ی م ح ی
ی و ح ق م ی
ی ی م و ق ح
ح ق ی و م

ح س ن ع ل ی
ی ح ل س ع ن
ل ی ع ح س ل
ل ن س ی ح ع
ع ل ح ن ی س
س ع ی ل ن ح
ح س ن ع ل ی

للعقعسیج پس در ساعت زهره یا در ساعت مشتری یا در روز زهره یا در روز مشتری چون

در خانه خود [illegible] باشند و ناظر باشند تغیر نظرات باشی [illegible] مشغول شوند و بخوره یا

بر آتش می نهند اندک اندک از زمان [illegible] تا غایت فراغ از عمل پس آنگاه

این حروف سطر [illegible] را هم ترکیب کرده و اعراب زده بر پاره حریر زرد یا سفید نویسید و چون

این حروف را اعراب زده باشند آن را بدل اعراب میخوانند و این حریر را که حروف بر او نوشته شده

چون به پیچد و در چراغ دانی نهند و روغن گاو و عسل در چراغ دان ریزد چنان که روغن [illegible]

و عسل یکی و چراغ را می افروزد و در این هم حالات از خواندن این حروف صبر خالی نباشند

و در وی چراغ سوی [illegible] منزل مطلوب کنند و خود برابر چراغ بنشینند در موضع خالی و این کلمات را

بعد دعوه [illegible] که در سطر حروف است که بر حریر نوشته میخوانند و این خواندن [illegible] باید که قبله

می کنند و کلمات این است اقسمت علیکم یا ارواح العلویة و ا[لارواح]

السفلیة بکل اسم حاصل من تکسیر هذه الحروف من اسما[ء]

ربنا و ربکم و الهنا و الهکم و من اسماء رؤسائکم من

الملائکة المقربین و الارواح المقدسة ان تجیبونی بمحبة

فلان ابن فلان و [illegible] الی الی الی آخر [illegible] این کلمات را میخواند [illegible]

تمام شد فیها و [illegible] خاموش بنشیند تا آنکه تمام شود که مقصود حاصل شود [illegible]

که بسیار بود که در همه حالات این عمل [illegible] تمام نوشته باشد که مطلوب بر آمده [illegible]

علی المقدسین

[illegible]

[illegible]

دیگر روایت دیگر خواندن است که فتیله نیز بعدد حروف آن سطر مضروب باشد و بهر فتیله آن یک سطر

حاصل مضروب باید نوشته باشد و در پشت حریر فتیله اسم طالب و مطلوب را با حروف ناری

یا حروف شتری که م ف ذ ع است با و ذ د د ممزوج بنویسد مقطع و مکسر تکسیر کند

تا ممزوج شود و آن را بر پشت فتیله بنویسد و فرضا در این مثال حسن و علی را با حروف ه

که م ف ذ ع است با حروف ی که د ذ د د است بنویسید مقطع و ملیار تکسیر کند

تا ممزوج شود و آن را بر پشت فتیله نویسد بر این مثال حروف ناری ح س ن ع ل ی

م ف ذ ع نوع سیم از تکسیر اسم طالب و مطلوب با بحر محبت و این اشرف انواع است

چون رعایت شرایط کرده باشند دقایق عمل بجا آورد در ده یکصد در عمل و از تنعم نیز

بر قاعده شایع مطلق متعدی این عمل باید که در وقت ساعت معلوم شده از تمام بالا

یا در روز یا در شب که هر یک از این روز و شب معلوم گشته بهر چه در بایست دست

در عمل حاصل کرده بخلوتی در آید و دو رکعت نماز استخاره بگذارد و از حضرت حق تعالی خیر خود را

در آن عمل بخواهد و حروف طالع طالب و حروف طالع مطلوب که آن برج مطلق است

استخراج کنند و در دو سطر نهد و انگه هر این دو سطر حاصل از طالعین را با یکدیگر امتزاج دهد تقدیم

حروف طالع طالب و تاخیر حروف طالع مطلوب و از این امتزاج حروف طالعین آنچه

حاصل شود آن را در یک سطر باید نهاد پس حروف اسم طالب و حروف اسم مطلوب را نیز

در هر سطر باید نهاد و نگاه باید کرد اخراج باید داد و لقا تا آنکه در استخراج حروف طالبین گفته شد
و از این اخراج حروف آنکه حاصل شود آن را نیز در زیر سطرها باید نهاد پس اگر حروف هر دو اسم در عدد
برابر باشند فبها و اما اگر حروف اسم طالب زیاده باشند از حروف اسم مطلوب آن زیاده را
بتقدیم حروف اسم طالب تمام کند و اگر حروف اسم مطلوب زیاده باشد از حروف اسم
طالب آن زیاده را بتقدیم حروف اسم طالب تمام کند چنانکه در مثال مستقیم معلوم می شود
پس آن سطر ممزوج از هر دو طالع و هر دو اسم را باید که در اخراج در هم آمیزند اگر حروف طالبین
اما درین قاعده که اگر حروف سطر طالبین زیاده باشند بتقدیم حروف سطر اسمین تمام باید
کردن و اگر حروف سطر اسمین زیاده باشند از حروف سطر طالبین آن زیاده را
بتقدیم حروف طالبین تمام باید کرد چنانکه در مثال مستقیم معلوم می شود انگاه از این سطر متولد
از همه سطرها اسما حسنی بیرون آرد و بر طرف راست سطر بنویسد متولد از سطر ممزوج از طالع
و هر دو اسم بنویسد و هم آن اسما ملائکه استخراج کند آن ملائکه که در کتب آمده از روح و توالی
و حروف و نام هاست آن نوشته شده بنکت و بر طرف دیگر آن سطر متولد و موصوف
بنویسد و این نیز در مثال مستقیم معلوم است پس حروف این سطر آخر که سطر متولد موصوف مذکور است
بشمارد که چند است و بعد آن حروف را بر پاره کرد و بر هر پاره [illegible] سطر از این حروف
سطر متولد موصوف مذکور مجموع [illegible] پیوسته و هر حرفی را با اعراب [illegible] معرب [illegible] نقش
و آنها را فتیله سازند و بر هر فتیله یکبار از این حروف معرب [illegible] بدمند و باد
بر فتیله میدمد و آن فتیله ها را در چراغدان میان نهند و در نحس و عسل با هم آمیخته
بر روی کنند و روی چراغ را بسوی خانه مطلوب کنند و خود برابر چراغ بنشینند و بعد هر فتیله [illegible]
ملائکه را با قسم با اسماء حسنی که از برای مطلب که یاد کرده خواهند شد و بعد از هر خواندن [illegible]
سطر معرب سوخته خوانده و از اول [illegible] زهره یا مشتری اندک اندک بر آتش می نهند و بعد که تمام [illegible]

حروف [illegible]

بحروف دعوی بنویسد و باید کرد و اگر عدد حروف سطر و حروف دعوی باید و آن اوّل است

و اگر هم نباشد باید یا باید مثلا آ فلان بن فلان و فلان یا یا فلان و افلان یا ای

یا آ فلان یا و انتی فلان و اگر در وی حروف دعوی نباید بخوان مجرّد گوید مثلا اکنون فرض

کنیم که نام طالب داود است و نام مطلوب سلیمان و طالع طالع حمل است و حروف ن ه

ط ح و طالع مطلوب ب است و حروف ن ق ی ص اسم طالب داود اسم

مطلوب س ل ی م ان سطر امتزاج حروف طالبین با یکدیگر ه ق ط ی ح ص سطر امتزاج

حروف اسمین با یکدیگر د س ا ل و ی د م د ا ان سطر متولد از هر دین سطرین ه

د ق س ط ا ی ل ح و ص ی ه د ق م ط د ی ا ح ا ص ن الله ... الحسنی

اللهم بحق ... الله واحد احد صمد قدوس هادی للقسط ...

منه لوما طائیل حولالا الیمون سطر متولد مذکور را چون مرکب و معرب کنند

چنین باشد هید قسطا یلحوضیهد قمطد یا حاصین حول

حروف این سطر متولد مذکور ۲۴ است ... ۲۴ حرف و این کلمات معرب ... را

نیز ۲۴ روز باید خواندن در آخر خواندن ... ۲۴ ... ۲۴

حرف ... ان سین ... اسماء و شرایط مذکوره بجای آورد و حروف ... حرف باید که ۲۴

... اسماء ... را با ... بخواند و در آخر ... حروف معربه ... ند

با این طریق یا لوما طائیل یا حولالا یا الیمون بحق الاالله الا

فصل در تکسیر مربع و شرط و کیفیت آن طریق این تکسیر چنان است که اسم طالب و مطلوب را معین کند و اسم

مطلوب را بر اسم طالب مقدم دارد و هر دو اسم را در یک سطر بنهد [illegible] هر دو اسم را مقطع کرده باشند

و اسم مطلوب را بر اسم طالب مقدم ننویسد و در آن یک سطر که حروف بنهد و حروف را تکسیر کند چند که سطر اول به ترتیب [illegible]

[illegible] اول هر سطر از این سطرها تکسیر حرف بگیرد و در سطر [illegible] کند و از آخر هر سطر [illegible] این سطور تکسیر حرف بگیرد

و در سطر دیگر [illegible] آن سطر بنهد چنانکه این همه سطرها [illegible] و بطریق تکسیر این [illegible]

[illegible]

هفتگانه [illegible] حروف آخر هر سطر از [illegible] به ترتیب [illegible] در اول مذکور شد [illegible]

و حروف اول هر سطر [illegible] حروف [illegible] در سطری که [illegible] مقدم [illegible]

سطر [illegible]

[illegible]

و حروف مقطع [illegible]

[illegible]

مقطع [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

س ال م خ ا ن م

م س ن ا ل خ م

م م خ س ل ا

ا م ا ن م س

س ا ل م خ ا ن م

[illegible]

س م م ا س م م ا س م

م س س م ا م م ا م س

س م م س ا س م م م ا

ا س م م م م س س ا

ا ا س س س م م م م

م ا م ا م س م س م س

س ا م ا س ا م م ا س م

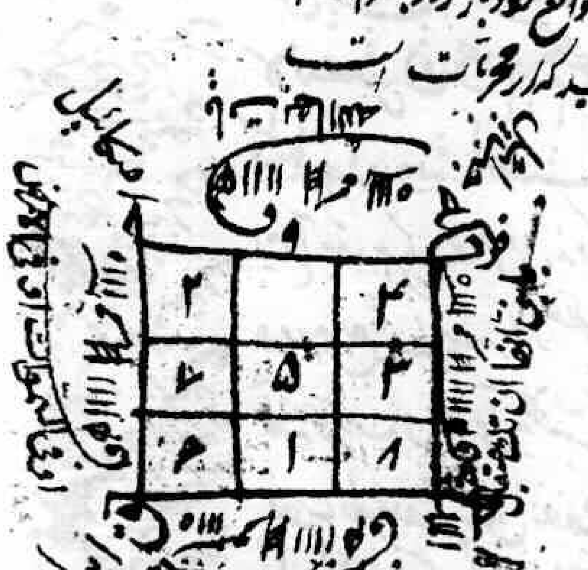
[illegible]

٨	١١	[illegible]	١
[illegible]	٢	٣	١٢
٣	[illegible]	٩	۶
[illegible]	[illegible]	١٣	[illegible]

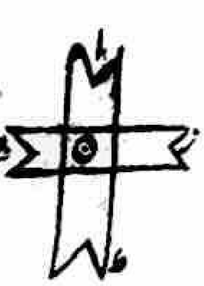
[illegible]

مذکوره بقاعده مشروحه وضع کردیم عدد اول از اعداد اربعه مذکوره در مربع مذکور خانه... پس نظر در سطر اول کردیم عرض آن مربع کردیم و دیدیم که در یک خانه او که عدد در او موضوع است ۲۰ است و تا عدد مقصود ۴۸۵ را ... ۴۸۴ میباید تا عدد مقصود تمام شود از این سطر بر دن آید پس ۴۸۴ را در بیت ثانی از این سطر اول عرضی که خالی بود وضع کردیم پس در سطر دوم عرضی از این مربع کردیم و دیدیم که در این خانها او که عدد در او موضوع است ... تا عدد مقصود تمام از این بیرون آید ۴۸۳ را در بیت ... تا عدد مقصود ۴۸۵ ... ۴۸۳ ... پس نظر کردیم در سطر ثالث عرضی از این مربع و دیدیم که در آن خانها او که عدد از این سطر دوم عرضی وضع کردیم در آنها موضوع است ۱۸ است و تا عدد مقصود مذکور ۴۸۶ میباید که عدد مقصود تمام از این سطر بر آید ۴۸۶ را در بیت ثالث از این سطر ثالث عرضی که خالی بود وضع کردیم پس نظر کردیم در سطر اخیر عرضی از این مربع که در خانهای او که عدد در آنها موضوع است ۱۹ است و تا عدد مقصود مذکور ۴۸۵ میباید که عدد مقصود تمام از این سطر بیرون آید پس ۴۸۵ را در بیت اول از این سطر اخیر عرضی که خالی بود وضع کردیم و تمامی خانهای این مربع مملو شد و وفق حاصل گشت و بجهة دیگر باره مربع عدد مقصود که حاصل باشد از تکسیر یا غیره بهمین وضع که شرح کرده شد و از اکثر کتب اعداد ضابطه وضع عدد در علوم ... در روز سه شنبه ... محرم الحرام ... از جمله خواص این وفق یکی دیگران است که اگر چیزی دزدیده باشند و خواهند که ظاهر شود بنویسد این شکل بر صحیفه و نام سارق یا ذهب یا آبق و در تنور یا مطبخ دفن کنند در حال بکار آتش بصحیفه رسد آن دزد یا رشته یا گرفته تغیر در او واقع شود و باز گردد و با مرتبه تمام و چون دفن نکنند ... بنویسد کنار ... مجربات است

۸	۱۱	۴۸۴	۱
۴۸۳	۲	۷	۱۲
۳	۴۸۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۴۸۵







و از جهت نقض بنویسد بر خنجر فولاد که پنهان آن جا از نیت باشد نام آنکس که خواهد و اسم
مادرش و در آتش نهند مدت شصت روزه و بخور نوکنند که آنکس هلاک شود و این صورت
بنویسد که احجار طواین حروفات جهت نقض و هلاک دشمن مجرب است و بدوح جهت محبت
و گشایش و طلب و هر چه خواهند

۸ ح	۶ و	۴	۲
۲ ب	۴ د	۶ و	۸ ح
۶ و		۲ ب	۴
۴ د	۲ ب	۸ ح	۶ و

ح ۸

خواص ختم آیه غشاوة عدو مرد چون
اگر شخصی را ساحر باشد عدد اسم
آن شخص بگیرد و بعد از این آیه اضافه
کنند و در مربع نگارد و چون قمر در ثور باشد یا در سنبله و قمر ناظر سعود در
ساعت نیک و آن مربع را با خود نگاه دارد و این آیه بعد از اسم آن شخص
بخواند البته زبانش بسته گردد و اگر خصمان جماعتی باشند عدد جمله را بگیرد و با این
عدد اضافه کنند و در مربع ثبت کنند و در شعب سنگ گران بنهد و نام خصمان
بر زبان جمله بسته گردد و مشغول نشود در آن ساعت این آیه بخواند و جعلنا
۳۰۶۲
من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم
لا یبصرون صم بکم عمی فهم لا یعقلون و اخشعوا فیها ولا
تکلمون و شاهت الوجوه و عنت الوجوه للحی القیوم
۱۳۴۲
این آیتها هر یک خواص دارند و اگر این جمله را بعد عدد و بنام خصمان اضافه کنند
و در مربع ثبت کنند از عظمت روی تمام دعا کی و کنند ... شود و این جمله
جهت عقد لسان خواص آیه نخست ... کسی که اهلاک ... باشد و خواهد که آنکس را مسخر
نماید به عدد آیه لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین
قلوبهم و لکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم بگیرد و اسم طالب و مطلوب
جمله بگیرد و اضافه عدد آیه کند و در مربع ثبت کند و ... مطلوب

اضافه نسنه از عظیم [illegible] بنویسد هر کس [illegible] نظر [illegible] روز [illegible] ۹۳۴

وانسب [illegible] بر آذین للناس احسن الماٰب [illegible] حیات و در مجرب است اسرار [illegible]

هذا الفران تا یتفکرون جهت [illegible] احمقان و جاهلان چون اسم شخص اضافه از این عدد کنه

و در مربع [illegible] نسنه [illegible] موافق مقصود [illegible] از عظیم [illegible] خواص لقد جاءکم رسول

من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم ۲۸۹۶ چون کسی را خواهد

که مسخر خود کرداند [illegible] اسم شخص مکان بسوم [illegible] در مربع [illegible] موافق [illegible]

بسوم چون شب [illegible] چهارشنبه [illegible] چون [illegible] دو رکعت نماز کند

و در رکعت اول [illegible] تا تحمه لقد جاءکم [illegible] بخواند چون سلام باز دهد

نوبت صلوات [illegible] دیوار [illegible] بخواند و [illegible] ۲ نوبت [illegible] یا رحیم [illegible]

[illegible] چون [illegible] بر روز [illegible] کرد [illegible] خواص

ومن یتق الله یجعل له مخرجا ویرزقه من حیث لا یحتسب چون کسی [illegible]

[illegible] اسم شخص در مربع [illegible] موافق [illegible]

[illegible] من حیث لا یحتسب ۱۱۲۹ حضرت [illegible]

در رزق [illegible] مربع [illegible] ذلک خواص قل ان

الفضل بید الله یؤتیه من یشاء والله واسع علیم یختص برحمته من

یشاء والله ذو الفضل العظیم چون آیه در مربع [illegible] موافق [illegible]

والله ذو الفضل العظیم ۲۷۷۱	یختص برحمته من یشاء ۲۱۵۷	[illegible] ۲۳۰[illegible]	قل ان الفضل بید الله ۱۳۵[illegible]
[illegible] ۱۱۹۱ ۶۲۶	ان الفضل [illegible] ۱۲[illegible]	والله واسع علیم ۲۲۶۹	[illegible] ۲۲[illegible]۹
قل ان الفضل [illegible] ۱۲۵۸	[illegible] ۱۳۰[illegible]	یختص برحمته من ۲۱۵۳	[illegible] العظیم ۲۲[illegible]
یختص برحمته ۱۵۵	[illegible]	قل ان الفضل [illegible] ۱۲۱۰	[illegible] ۱۱۹۲

[illegible] چون [illegible]

در [illegible] از عظیم ذلک چون آیه

[illegible] در رزق [illegible]

مقبول القول [illegible] اعداء [illegible]

[illegible] ۱۱۹۲

خواص و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو ثانی کتاب مبین

چون کسی خواهد که از حال غایب یا از خبر با بر واند روزگار را آینه صحیفه که پیش خود نهد آنرا شب یکشنبه یا شب چهارشنبه مطابق این آیه بگیرد و عدد اسم خود را در این جمله در مربع نگاه بدارد این آیه را چون حل

آن مربع بنویسد و عدد بیوت بخواند و عنده و الشمس هفت ذبت نگاه بدارد این مربع را زیر سر

بنهد و در خواب رعدد بیت که دارد باز گوید البته رد بعا یابد از در ابریز آن خبر دهند و

حقیقت استقبال بداند و اگر ابدی این آیه ملازم شغل کرد و هر صباح که نفس کشد بادر سد

سبحان عزیب یا دکو شود دسرمحی با از دولی هر چه دارد از عظم نگاه خواص این آیه الذین یقع بر

ما اهر چون کسیرا در جسم باشد بعدد اول ایه بگیرد و عدد اسم آن شخص و در مربع بکار برد و قمر با ید که نار الشمس

در میان بر بندد که ایه شفا یابد و در وی چشم بسبع آید و اگر در ذرف شراب این مربع بکار برد با خود نگاه

دارد بسبع مدیقین طاهر شود و علوم غریبه او را روزی نماید و از سید شریف الدین حسین اعلا نکی علیه السلام روح مطهر

کرکوه ایه نور این تربه بود در کتب استراق کوفی بقاف کاف ... چاره روی گرد منضاف اوکی دارد برای ملک نایب ...

کرمو طلب امیر سلطان ... دردی ضعیف و دردی دیدکه قاف **خواص معوذتین** اگر کسیرا بسته نکته

این هر دو سوره را ... بنویسد در مربع و بعدد اسم آن شخص بکار برد و ضافه کنند چون با خود نگاه

دارد نعمت مشغول شود که ده گردد و از ... هم برین صورت است که ذکر شده

و ... خیال و خیال ... است ... در طریقه الفضع و این بیان است که عدد را

بر هر دو از آن عدد ... کند و ... که باند در مربع از ... خانه است ... صغیر ... عدد را

آنچه باقی ماند در خانه ... تمام کنند ... طریقه

١	٩٧	٩٤	٩٨
٩٥	٧	٢	٩٦
٦	٩٢		٣
٩٨	٤	٥	٩٣

٩٩

نقش صغیر ... و ... مثل ... باشد و ... که

در عدد اصل ... صورت ... نیست عدد

نصف صد عدد ... البا في صد عدد ... مربع

... هر صورت ... در خانه اول ... تمام کرد

... نقش ... بر این ... که ... در خانه ... بشد

... این ... بر این ... ١٢٩

نصف ... و ... طرح کردم ... از ... باشد ...

صورت نقش طبیعی آمده هم درست از شصت و چهار که بر هر سطر و پنجاه و شش در خانه‌ها [illegible] خانه‌ها دارد هم

هم هر خانه سیزده هر یک عدد او [illegible] دو تمام کرده را بر شکل تعبیه **فصل در طریقه ترتیب المجدد احوال آن**

۸	۵۸	۶۲	۱
۶۱	۲	۷	۵۹
۳		۵۶	۴
۵۷	۵	۴	۶۳

۶۴

دارد عدد [illegible] نشسته و بجای تعبیه نشسته [illegible] نقش مربع نشسته باید بخش در یک خانه اول نهند و بصورت نقش طبیعی کنند که درست باشد و چون در [illegible] قطع کنند عدد در خانه‌ها [illegible] و بصورت نقش طبیعی تمام نشسته که درست [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] عدد در خانه سیزده هم [illegible] تمام کنند درست [illegible] هر [illegible]

کا [illegible] عدد [illegible] یک جدول [illegible] با سطر [illegible] عدد [illegible] دارد [illegible] عدد [illegible]

[illegible] سه [illegible] دارد [illegible] تمام [illegible] درست [illegible]

۲۰۶

۲۰۷	۳۰	۲۰۴	۲۰
۲۰۳	۲۱	۲۰۶	۲۰۱
۲۲		۲۰۸	۲۰۵
۲۰۹	۲۴	۲۳	۲۰۵

۲۰۵

۱۷	۲۰[illegible]	[illegible]	۲۰
۲۰۳	۱۱	۱۶	[illegible]
۱۲		۲	۱۵
[illegible]۹	۱۴	۱۳	۲۰۳

[illegible] [illegible] دوازده

۴۰

۳۰۴	۴۰۲	۴۰۴	۴۰۷
۴۰۴	۲۰۸	[illegible]	۴۰۲
۴۰۹		۴۰۸	۳۰۵
[illegible]	۳۰۴	۳۰	۴۰۵

۵

۴۰۲	۴۰۵	۴۰۸	۳۰۵
۴۰۴	۳۰۶	۴۰۱	۳۰۶
۳۰۷		۴۰۳	۴۰
۴۰۴	۳۰۹	۴۰۸	۴۰۹

فصل در طریقه [illegible] و [illegible] و وضع [illegible] در این طریقه آن است که [illegible] نشسته و [illegible] اول از [illegible] مربع

نشسته [illegible] خانه [illegible] عدد او [illegible] در چهار [illegible] باشد [illegible]

[illegible] هر خانه [illegible] دانسته و [illegible] این [illegible] خانه اول نشسته و [illegible] خانه

بجمع کنند و ششم و هفتم و هشتم خانه صد او باشد و دیگر ابتدا از نهم خانه کنند نهم و دهم و یازدهم
و دوازدهم و دیگر ابتدا از خانه سیزدهم کنند و چهاردهم و پانزدهم و شانزده تمام کنند و این شکل

ی	ن	غ	م
۹۹۹	[illegible]	۹	۵۱
۳۰۲		۴۸	۸
۴۹	۷	۳۰۳	۱۰۰۱

۱۰۰۲

مشایخ این نوع را الواح نگاشته اند و شیخ ابو
العباس احمد بونی المغربی رحمه الله علیه که در این علم از
مشاهیر است رساله نوشته مشهور بلوامع الذهب
و در آن الواح از آیات و اسماء و در مربعات نگاشته
و بعد و بعضی از خواص هر یک مربع نوشته اما این طریقه مظهر شده که در این جا [illegible] باشد تعرف کرده
توان کرد فصل در خواص اعداد الزوج الزوج اما عدد زوج الزوج اگر کسی خواهد که مربع در آن ببرد
[illegible] کرده قمر ناظر السعدین باشد این شکل را بکشند تمام و سیم [illegible] و معلم کرده در هنگام مربع
در مقابل دیگر مربع دیگر کشند و عدد طالب و مطلوب در آن ثبت کنند چون این مربع را با خود دارد
مطلوبش حاصل شود مثال این است و الله اعلم

۱۶	۴۲	۲۰۸	۴
۲۰۶	۴	۱۴	۴۴
۶		۱۸	۱۲
۲۰	۱۵	۸	۳۰

۳۰۲

اما خواص فرد الفرد آن است که چون قمر ناقص
النور باشد و ناظر زحل باشد این مربع را بکشند
هر زمانی که [illegible] دارد آن [illegible]
بخانه و اگر [illegible] کشند و اسم [illegible]
در [illegible] دیگر در [illegible] کشند [illegible]
میان آن دو شخص [illegible] هر دو در گورستان کهنه دفن کنند مثال این است

۱۵	۲۱	۲۰۷	۱
۲۰۵	۳	۱۳	۲۳
۵		۱۷	۱۱
۱۹	۹	۷	۲۰۹

۳۰۱

که چون مربع [illegible] در [illegible] مشایخ
و ملکه و سحرها باطل [illegible] و از [illegible]
این [illegible] نقش [illegible]
مرد [illegible] خواص

الجواهر

[illegible]

بسم الله العزیز [illegible]

اگر خواهی بدانی که کسی اسم قدوم مبارک دارد یا نه نام ایشان را با بجد حساب کن دوازده دوازده طرح کن اگر از
از یک تا هشت بماند قدمش مبارک باشد و اگر از نه تا دوازده بماند نامبارک باشد و نیز کار [illegible]
[illegible] سؤال کن بطریق حساب ابجد که بر دل حرف اول چند عدد [illegible] نکند در
آن اسم چند حرف باشد هر مرتبه حرفی تمام کند مثلا اسم زید را بخاطر گرفته است اول سؤال میکنی که
حرف اول چند عدد [illegible] زا و یا و دال [illegible] عدد آن چند است و مرتبه ثانی [illegible] زا و دال
چند عدد است مرتبه ثالث [illegible] زا یا چند عدد [illegible] چند حرف باشد [illegible] اگر [illegible]
بدین طریق حساب باید کرد و مجموع که حساب شد اگر آن اسم چهار حرفی است مجموع عدد را [illegible] قسمت باید
کرد اگر سه حرفی باشد به سه قسمت [illegible] اسم را [illegible] حرف اسم [illegible] تقسیم
کمتر باید کرد [illegible] عدد [illegible] باید [illegible] حرف [illegible] را
آن عددی که اول گرفته است [illegible] آن عدد [illegible] را باید دید که چه
حرف [illegible] است [illegible] حساب زبر و بینات زیرا آن است که
هر حرف را از برای هر عددی که موضوع است در حساب ابجد حساب [illegible] الف یک و با دو
و یا ده و کاف بیست و لام سی و بینات آن است هر حرف را بلفظ او [illegible] کنند [illegible]
ملفوظی [illegible] ملفوظ را حساب ابجد حساب کنند [illegible] ملفوظ [illegible]
حساب کنند [illegible] میم و جیم [illegible] میم را حساب کنند و میم [illegible]
[illegible] عین و غین [illegible] حساب کنند [illegible] حساب [illegible]
کنند از زبر و بینات [illegible] الف [illegible] لام و فا بینات اگر [illegible] حرف [illegible]
حرف اول زبر است و باقی بینات [illegible] حرف را [illegible] حساب کنند
با ملفوظ [illegible] مقام [illegible] الف را حساب [illegible] ملفوظ الف را [illegible]
حساب میکنند الف و لام و فا [illegible] ابجد کبیر [illegible] و الف [illegible] صغیر
از [illegible] رسیده [illegible] حروف [illegible]
حرف [illegible] حرف [illegible] مرکب [illegible] الف [illegible]
و یا [illegible]
مقام [illegible] الف و اگر [illegible] طریق حساب [illegible]
[illegible] این حساب [illegible] دارد [illegible]

[illegible]

در خواص بسم الله بیت خوش [illegible] هر چه بخواهد از [illegible] چون کسی مضطرب احوال شود
و هیچ [illegible] کاری [illegible] باشد بنویسد این مربع را در [illegible] و [illegible] باشد ۷۸۶ بنویسد
و شرط خواندن این است که اول [illegible] و هر [illegible] ۱۹ بار بسم الله الرحمن الرحیم
بگوید [illegible] و در کوچ [illegible] کند [illegible] گفته شده [illegible] اسلام [illegible] این مربع
[illegible] عدد [illegible] و عدد [illegible] شود [illegible] هر کس [illegible]
[illegible] و این مربع [illegible] دارد چون این [illegible] کرده باشد [illegible]
[illegible] این [illegible] و اگر [illegible] باشد [illegible]
[illegible] و از [illegible] و [illegible]
چهل [illegible] آیه [illegible] باید در مربع [illegible]
در [illegible] مربع [illegible] بنویسد و در [illegible] مربع [illegible] طریق

۱۸۹	۲۰۳	۱۹۹	۱۹۶
۲۰۰	۱۹۵	۱۹	۲۱
۱۹۴	۱۹۲		۱۹۱
۲۰۳	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۸

۲۰۴

بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحیم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم		الرحمن
الرحمن	الرحیم	بسم	الله

الرحیم

خواص والحکم الواحد چون این در [illegible] بنویسد [illegible]
[illegible] این مربع [illegible] آید و [illegible]
[illegible] و اگر این [illegible] کند

والحکم الواحد	لا اله	الا هو	الرحمن الرحیم
الا هو	الرحمن الرحیم	والحکم الواحد	لا اله
الرحمن الرحیم	الا هو		والحکم الواحد
لا اله	والحکم الواحد	الرحمن الرحیم	الا هو

لا اله

۲۲۱	۲[illegible]	۲۳۱	۲۲۱
۲۳۲	۲۲۲	۲۲۳	۲۳۴
۲۲۶	۲۲۹		۲۲۳
۲۲۶	۲۲۴	۲۲۵	۲۳۰

۲۳۷

[illegible]

ز دو نوبار زد دوست فلک [illegible]
در دیگر [illegible]

آسمان را دو کین آل نبی [illegible]
در دیگر [illegible] سیاه [illegible]

فارس [illegible] در [illegible] که در دیگر [illegible]

از [illegible] از دیگر نفع [illegible] آل [illegible]

فوس [illegible] چون [illegible] در دیگر که آخر [illegible]

رواعین [illegible] در [illegible] در دیگر [illegible]

[illegible] چون [illegible] در دیگر که آخر [illegible]

بیک از خیل [illegible] از [illegible] در دیگر که آخر [illegible]

گویا دارند عزم کربلای شاه دین خیل کین [illegible]

شهدا و کفر ضعف [illegible] در دیگر که آخر نگر

در دریا [illegible] شبنم [illegible] در حرم [illegible] زیم
اینک از [illegible] لطف [illegible] دیگر که آخر نگر
آفتاب طلعت [illegible] رشید [illegible] از [illegible] ماند در زیر حق
هر زمان [illegible] ذنب [illegible] طلوع دیگر در دیگر که آخر نگر

از عطش سیراب بر شاخ نخل باغ دین جنگ اهل از دم شمشیر کین
خار زار کفر را از خون حلقش تر نگر [illegible] که آخر نگر
نوجوان را از [illegible] خون [illegible] اکبر [illegible] دیگر که [illegible]
کودکان زار را [illegible] لاله سود [illegible] در دیگر که آخر نگر

آنکه بر دار و در جانش تشنه لب آب حیات [illegible] ممنوع از روان
بین [illegible] آبروی ساقی کوثر [illegible] دیگر که آخر نگر
از [illegible] ساغر [illegible] از جام [illegible] حسین
پر کرده [illegible] ساغر [illegible] در دیگر که آخر نگر

عاکفان خیل عصمت را ز بی‌تابی حزین　دلبسته شکسته روی با محو نگر　اشک از دیده‌ها جاری ز رستم از خون ناب

صید کردند با وجود غل بند　در تکرگ شته حشر نگر　دل کباب و آن یکی در التهاب

۱۲۱

اولش خوانند کردند و قبت از ... حجاب   شرم روی میزبان بین و حرمت مهمان نگر   سال و مه خفاش میتوزند همچون آفتاب

منع آب زمره ... از ... ذوّاب   در نگر گردش دوران نگر   با نقاب دختران ... تراب

خواص آیة الکرسی چون این آیه را بمه در مربع بنگارند در ساعت مشتری و قمر ناظر بسعود دارنده این مربع ایمن گردد
از شر سلطان و قهر جباران و محفوظ باشند از جمله آفات و گشایش کارها و فتوحات برا و نوبت
در نظر خواندن آن اثر یست که چون این مربع بنگارند بسم حق و هر عدد دوشنبه و بعد از آن هماره گویند
بخوانند و بخور بسوزانند و هر کس در نزد آن سخن گوید و چون از طبیب آورده باشند [illegible] بحال عزیمه

وسع کرسیه السموات و الارض و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم	یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء	له ما فی السموات و ما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه	الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة و لا نوم
له ما فی السموات و ما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه	الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة و لا نوم	وسع کرسیه السموات و الارض و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم	یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء
الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة و لا نوم		یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء	وسع کرسیه السموات و الارض و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم
یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء	وسع کرسیه السموات و الارض و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم	الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة و لا نوم	له ما فی السموات و ما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه

له ما فی السموات و ما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه

بجهت آسانی ولادت فرزند بر کاغذ بنویسند [illegible] را در زیر پای چپ و یک ساعت در زیر
ران راست گذارند و یک بار بسم [illegible] بنظر او نگاه که وارد بدانکه بالای فرج حامله شود
باب [illegible] خواص [illegible] مجرب بنویسد این سوره مبارکه [illegible]
شود و هر که [illegible] که خواهد در اندرون نوشته گذاشته [illegible]
بجهت [illegible] طاقت خواهند [illegible] این سوره [illegible]
[illegible] اگر مطلوب آید خوب و گرنه [illegible]

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

مجرب است بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین
ا ا اصر الم الم الم

الرحمن الرحیم مالک یوم الدین ایاک نعبد
نعص طه طسم المرا المرا
وایاک نستعین اهدنا الصراط المستقیم
المرا المرا لیس ص
صراط الذین انعمت علیهم غیر
حم حم حم حم
المغضوب علیهم ولا الضالین باب اگر کسی چیزی دزدیده باشد
حم اول ایام یا مالینوس را از حروف
جمع نوشته باشد و هر چه سؤال کند در جواب بدهد گویند یا مالینوس
با وضو نماز... این نقش را بنویسد و در خواب رود در خواب سؤال کند در جواب بر او گویند
اگر کسی سوره ... بنویسد به محبوب که عاشق شده باشد ... قرار
نگرفته باشد ... بنویسد و ... سوره ... بر موم کرده و در زیر
نگین ... در ... و ... فی العقود ... در ... دیگر
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین الرحمن
الم الم الم الم الم
الرحمن مالک یوم الدین ایاک نعبد وایاک
کهیعص طه طسم طهم الر الم
نستعین اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین
المر المر یس عسق ص حم حم حم
انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین
حم حم حم حم حم
باب کشتن مرد و زن این آیه ... مرتبه بگویند ... و ... در زیر سنگ گران
گذارد و ... این آیه ... الذین طغوا فی البلاد
فاکثروا فیها الفساد فصب علیهم ربک سوط عذاب
باب ... حافظ این آیه ... بنویسد هر یک را هر روز
ناشتا بخورد ... روز ... تمام ... حافظه ... قرآن ...

که سوره نقش الاول فتعالی الله الملک الحق الیوم فی ذی زد نی علما

وفیها یوم الثالث سنقرئک فلا تنسی یوم الرابع انه یعلم الجهر و ما یخفی

یوم الخامس لا تحرک به لسانک لتعجل به یوم السادس ان علینا

جمعه و قرآنه یوم السابع فاذا قرأناه فاتبع قرآنه اگر خواهی کسی را از سفر ...

عجایب نماید این طلسم را بنویسد ...

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بکلمات الله التامة و من شر کل

شیطان هامة و من شر کل عین لامة و من شر کل حاسد

و من شر کل النفاثات فی العقد

و من شر حاسد اذا حسد ایاک نعبد و ایاک نستعین ه ه ه ... و ص حم ه ه

باب دیگر ... هر زنی که فرزند او ... استقط ...

... آلم ... الا ... ه

علاج ... تجربت باب ... این سوره ...

... فی المرض ... سوره طه است ... آهن ...

... باب دیگر ... یابد ...

اسم یا غنی ... العدد ... منقطع گردد ... باب دیگر ...

روی است ... اللهم یا وهاب ذو الطول ... گردد ...

یا وهاب	ذوا	الطول	اللهم
الطول	اللهم	یا وهاب	ذوا
اللهم	الطول	ذوا	یا وهاب
ذوا	یا وهاب	اللهم	الطول

مربع را با خود دارد مجرب است این است

هر که اسم الباسط را هر سحرگاه ... بار

بگوید بر آستان خداوند عالم ... بی نیاز

گردد مجرب است ...

و حتی ... و بی نیاز ...

سوره مبارکه الم نشرح ...

[illegible] حروف [illegible] عمل [illegible] اللّه لطیف بعباده یرزق من یشاء [illegible]

[illegible] مقرونات [illegible] و [illegible] وضو [illegible]

بخواب [illegible] در وقت [illegible] وضو بگیرد [illegible] در شب جمعه [illegible]

[illegible] حروف [illegible] که حضرت [illegible] یا نور النور یا مدبّر الامور

بالغ عن درج محمد صلی اللّه علیه و آله تحیة و سلاما یا محق الباطل فیدمغه فاذا

هو زاهق و لکم الویل مما تصفون و لا حول و لا قوة الا باللّه العلی العظیم

[illegible] که [illegible] شب [illegible]

[illegible] اللّهم انی اسئلک یا قهار یا رحمن یا غفار ان تسخر لی قلب [illegible]

بالمحبة [illegible] از اول [illegible] در [illegible]

[illegible] ماه [illegible]

[illegible] واقع شود [illegible] در [illegible]

خود [illegible] و این [illegible] بی شک [illegible]

١١	٣	١	٧	٦
١	٤	٩	٢	٦

[illegible] بنویسد [illegible]

[illegible] اسما [illegible] باید نوشت [illegible]

[illegible] بنویسد [illegible]

یا من لا یصرف السوء الا هو

[illegible] آهکط ما هکط آهکط

ما هکط [illegible]

[illegible] بسم اللّه الرحمن الرحیم [illegible]

[illegible] بنویسد [illegible]

[illegible] اگر [illegible]

[illegible] اذ قالت امرأت عمران رب انی

[illegible] نذرت لک ما فی بطنی محررا فتقبل

منی انک انت السمیع العلیم

مجرّب است

ن	ط
ج	ه

[illegible]

باب دیگر اگر مال کسی را دزدیده باشند بنویسد بزبان این آیه شریفه و در پس کان
درست باشند بدو بگو هر کس که دزد باشد در ملکوش می ماند فرو نرفته قالوا
اتعجبین من امر الله رحمة الله وبرکاته علیکم اهل البیت انه حمید مجید
باب دیگر من خاف الارق فلیقل عند منامه سبحان الله ذی الشان دائم السلطان
عظیم البرهان ثم یقول یا مشبع البطون الجائعة وکاسی الجسوم العاریة
ویا مسکن العروق الضاربة ویا منوم العیون الساهرة سکن عروقی
الضاربة واذن لعینی نوما عاجلا من خاف من الاحتلام فلیقل عند منامه اللهم انی
اعوذ بک من الاحتلام ومن شر سوء الاحلام وان یلعب بی الشیطان
ان یتلاعب بی الشیطان فی الیقظة والمنام النوع الاول فی ادعیة الرزق
هذا الدعا یتیسر له الرزق وتستوفی له اسبابه وهو تورث عقیب کل صلوة فریضة مرارا
کثیرة اللهم یا سبب من لا سبب له یا سبب کل ذی سبب یا مسبب الاسباب
من غیر سبب سبب لی سببا صل علی محمد وال محمد واغننی بحلالک عن
حرامک وبفضلک عن سوالی یا حی یا قیوم فی خواص الآیات العزیزة من کتاب مجمع
اهل الادب ان القران الذی احتجب به النبی صلی الله علیه وآله عن اعدائه فی قوله واذا قرأت
القران جعلنا بینک وبین الذین لا یؤمنون بالاخرة حجابا مستورا
آیة الکهف قوله ومن اظلم ممن ذکر بایات ربه فاعرض عنها ونسی ما قدمت
یداه انا جعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی آذانهم وقرا وان تدعهم
الی الهدی فلن یهتدوا اذا ابدا آیة النحل قوله اولئک الذین طبع الله علی

قلوبهم وسمعهم وابصارهم اولئك هم الغافلون آية الجاثية
وهي قوله افرايت من اتخذ الهه هواه واضله الله على علم
وختم على سمعه وقلبه وجعل على بصره غشاوة فمن يهديه من بعد الله
افلا تذكرون وعن انس رض من قال هذه الكلمات [illegible] يوم عشرة اشخر الله له اربعة الكلف
كبيرة وكفاه الله جميع احوال كلها حفظه الله من شر ابليس وجنوده وقضى دينه وفرج همه وغمه
وحزنه ولكفى عن [illegible] ومقصود وكفاه الله [illegible] عن شر ظالم وحاسد وماكر وجبار وعنيد
اعددت لكل هول لا اله الا الله ولكل هم وغم ما شاء الله ولكل
نعمة الحمد لله ولكل رخاء وشدة الشكر لله ولكل اعجوبة سبحان الله
ولكل ذنب استغفر الله ولكل مصيبة انا لله وانا اليه راجعون ولكل
ضيق حسبي الله ولكل قضاء وقدر توكلت على الله ولكل عدو
اعتصمت بالله ولكل طاعة ومعصية لا حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم باب [illegible] في الحجب [illegible] ذكر الله [illegible] في خصائصه [illegible]
عليه السلام الحجب عن المنصور [illegible]
بسم الله [illegible] واذا قرأت القرآن جعلنا بينك وبين الذين لا يؤمنون
بالآخرة حجابا مستورا وجعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه وفي اذانهم
وقرا واذا ذكرت ربك في القرآن وحده ولوا على ادبارهم نفورا اللهم
اني اسئلك بالاسم الذي به تحيي وتميت وترزق وتعطي وتمنع
يا ذا الجلال والاكرام اللهم من ارادنا بسوء من جميع خلقك فاطمس عنا
عينيه واصم عنا سمعه واشغل عنا قلبه واغلل عنا يده واصرف عنا
كيده وخذه من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله ومن تحته ومن فوقه
يا ذا الجلال و[illegible]

[illegible]

خواص ۱۲۶۶۳۶۴ بر بندد بازو انگشت کوچک ۵۲۳۸۱۲ ۴ بشنه و پوست آن

شاخ خیک بر آورند و ازین گوشت او در دیگ نهند و بجوشانند تا پخته شود گوشت او

در کیسه و استخوانهای او تمام نگهدارند و ازین نزدیک ۲۱۴۸۲ ۵۰۲۱۴

رفته یک استخوان او ... بال تا هر کدام که ۲۱۴۸۲ بر گردد و ... آتش و ... بر

و چون از دنبال تو آید بر گرد ... ۵۰۲۱۴ و بدان خاصیت که از کدام استخوان

حاصل شد همان استخوان را نگهدارد ۴۶۶۲ او از جهت عقد ۳۶۶۳ است باید که

... شد که ... در ... ۳۶۲ ... ازین ۲۱۶ بر ... دراندرون

۴۶۶۲ که ۱۲۴۲ بدبسته شود دیگر خواص آن انگشت که ... خنصر ...

کسی ... انگشت بر گلوی آن کس که از او ... خواص اگر

کسی ... ۱۹۲۶ ... در زیر درخت میوه دار ... زیر سینه خواص

اگر کسی خواهد که ۲۱۸۱ ... که یاقوت باشد ... درهم ... قرآن

... که خواهد شود اگر کسی ... باشد که ... شود خواهد که او

۲۱۸۱۲۲ ...

... نویسند در میان رخت او بگذارد ... باز گردد ...

... و هر گاه شخصی در سفر باشد اول ... خانه و احوال

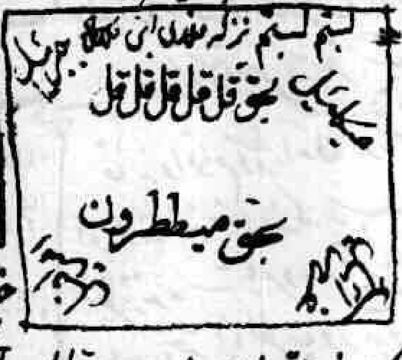
۴	۱	۳
۳	۵	۲
۸	۹	۶

باب دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است فرمود که هر کس این تعویذ را بر بازو ببندد [illegible]
شمشیر و سلاح در روی کار نکند از برکت این تعویذ و اگر بر گردن گوسفند ببندی و شمشیر بر آن زنی اثر نکند [illegible]



باب از [illegible]
یا من لا تراه العیون و لا تخالطه الظنون و لا تصفه الواصفون و لا تأخذه سنة و لا نوم [illegible] فرجا و مخرجا یا غیاث المستغیثین
یا منزل الشفاء [illegible]
اینزل علی ما [illegible] شفاء باب [illegible]





[illegible]
او که از زند [illegible] بنویسد [illegible]
باب دیگر از برای [illegible] صغاع عند الله و عندنا
نورا انما الدمن نیوم فلان
امه باذن الله

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

۴	۹	۲
۳	۵	۷

ایضا بنویسد از جهت حملی ریا بزایت بندد بسم الله الرحمن الرحیم حنة ولدت مریم مریم
ولدت عیسی والارض یدعو له یا ولد فاخرج یوم برونها لم یلبثوا
الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلک الا القوم الفاسقون بسم الله
الرحمن الرحیم اذا السماء انشقت واذنت لربها وحقت واذا الارض
مدت والقت ما فیها وتخلت جهة وضع حملی [illegible] نوشته [illegible]
در پیش روی او بدار بند نظر کند بعد از آن [illegible] زن بندد
بفضل الهی سهولت [illegible] بندد یا خالص یا مخلص یا خلاص
ایضا از جهت وضع حملی نوشته بر بازوی عورت بندد

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

فارغ شود

۴	۹	۲
۳	۸	۲

باب [illegible]
بهر کس در وقت مجامعت این اسم
بر کمر بندد هر چند جماع کند مانده نشود [illegible]
[illegible]

لله و	۱۲ ع	ح لله	۱ ه و
و لا	۳۱۳	ه و	[illegible]
۳۱ ه	ا و	ع ای	بحو
۱۱ ح	ح ۸	الی	ه ۶

د	ط	له	ح
ه	۲	س	و
ک	ا	ک	و
۱۸	وه	صه	لا

بسیار معجزه وار دستور است که این صورت را بنویسی جهت هر مرضی که بخواهی مریض شفا
یابد بتحقیق که بتجربه رسیده است و اگر بنویسد در آب پاک اندازد هر مریض از آن
آب بیاشامد البته که شفا یابد و هر کس شک کند [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]
طالب ثراه [illegible] سیمعون خبر الرضا علیه السلام قال حدثنا [illegible] عبدالرحمن
الحسینی عن محمد الغفاری [illegible] عبدالله [illegible] علی بن الحسین [illegible] علی
ابن موسی الرضا علیه السلام عن موسی بن جعفر عن جعفر بن محمد عن محمد بن علی عن علی بن

الحسین عن حسین ابن علی عن علی ابن ابی طالب عن النبی صلی الله علیه و علیهم اجمعین عن جبرائیل عن میکائیل عن اسرافیل عن عزرائیل عن لوح و هی هذه اللوح باب دیگر دفع خصم

هر خصم را بر بالای خاک گور بدهد و در خانه خصم نهند البته منهزم گردد باب خصم

از قول رسول خدا است

احجهمط

در باب زنی که او را فرزند نشود این تعویذ نوشته در بازوی راست زن بندد جماع کرده و حامل گردد و پسر تولد کند بسم الله الرحمن الرحیم



بسم الله و بالله فاخرج منها جنینا

قالوا لا تخف و بشروه بغلام حلیم فاقبلت امراته فی صرة فصکت وجهها و قالت عجوز عقیم قال کذلک قال ربک انه هو الحکیم العلیم

باب دیگر هر کس این ۱۲ اسم را بر کاغذ نوشته با خود داشته در راه رود هرگز ... نشود از تجربات است یا قوی یا عزیز یا ذو اللمن

اخراج سحر ... الرحمه است بجهت دفع شیاطین زده ... بازوی حمل کرده بندد

سوره ... را عدد اسم دشمن بخواند ... روز زنگ شود ... محرب است ... مطیع گردد

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

نسبت صحیح از شیخ بهاء الدین ... که اگر ... این نقش را نوشته بر بازوی او بندد بفرمان الله شفا یابد و اگر زن حامله دشوار زاید این نقش را نوشته بر ... او بندد ... و اگر ... بندد ... این نقش را نوشته ... از ... نکند ... و ... بخ تهین ... و هی هذه النقش

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶



باب شست تفریق در تحت گاو مخصوص بنویسد که در تحت او ۱۳ زده باشد ۲۰۵

بارحه با مقراض به چند در موضعی بنشت البته در میان ایشان بجمع تفرقه و جدائی واقع شود و هر جزو

۴	۲۴	۲۳	۶	۱
۱۹	۱۲	۱۷	۱۰	۲
۲۱	۱۱	۱۳	۱۰	۵
۱	۱۶	۹	۳۴	۲۵
۲۱	۲	۳	۱۸	۲۲

نکته تفریق است هر کس که بنویسد این آیه شریفه را با مرکب و نیلی در رکه بعد تر تیب شوید و بر گشتن رکه به هر بره تکه کند آنها بین ایشان تفریق و معشوق و یا معشوقه کرده مقطعه گذشته در هر بره بزهره دفن کند و یا بنشکیه زرکرده مقطعه زشته با مقراض با ره کند تفرقه بجهت آن بید شده تفریق و معشوق و معشوقه و در ... بینهم العداوة و البغضاء الی یوم القیمة کلما اوقدوا نارا للحرب اطفأها الله و یسعون فی الارض فسادا والله لا یحب المفسدین باب دیگر اگر بنهند ... التي و ... باشد این دعا چون بر سوی سطر نوشته با شنک و عنبر و عذاب ... در وقت طلوع آفتاب کرد زعفران اندازد چند روزی چنین کند که برین در کار سیدا شود بسم الله الرحمن الرحیم هذا عریضة من العبد الذلیل الضعیف الی المولی الکبیر الی سیدی الضروانات ارحم الراحمین فاکشف عنی همی و فرج عنی غمی بحق محمد و آل بیته الطیبین الطاهرین اگر خواهی میان دو کس خصومت افتد که متفرق شوند این آیه را با ... ابر کرده کان نوشته در خانه و یا در آستانه در فانه ... نکش ... البته تفریق واقع شود ... فایدنا الذین امنوا علی عدوهم فاصبحوا ظاهرین

۹۳ سلو طا ۹۴ سلا علقه

۱۱۰ ۱۱۰ ... ۵ ... الس

باب دیگر در جهت قضای حوائج لغز است ازین که در دست راست بازین بستن آنچه خواهد نماید بدست چپ بندد این بستن آنچه خواهد نماید

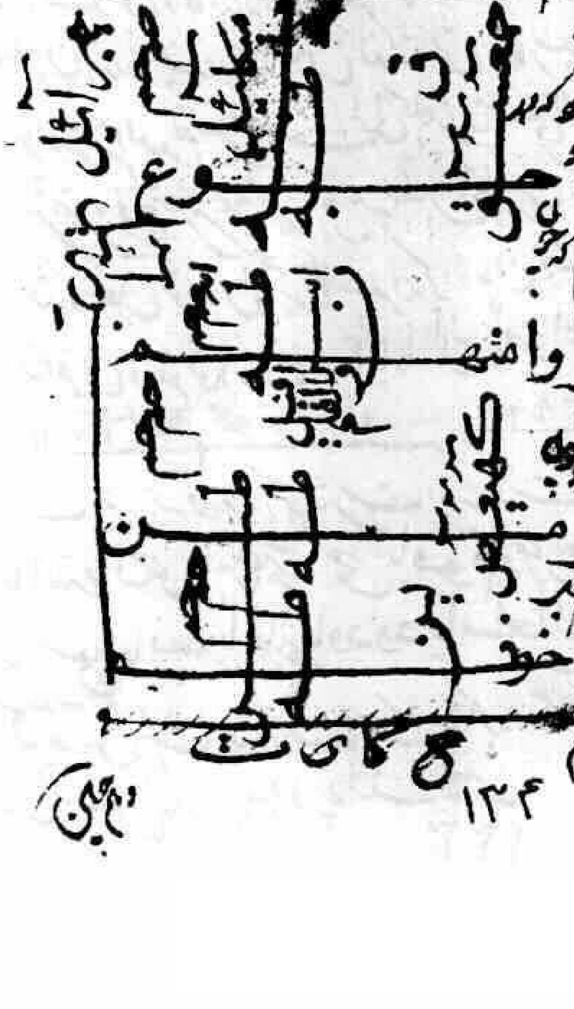
یا الله یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم و مانع دست چپ

یا سمیع یا بصیر یا حلیم یا ودود یا مستعان بر دست راست سه حرف

کهیعص بکف بد و دست چپ سه حرف حمعسق بکف بر هر حاجتی که دارد

باز آن کس اظهار نماید مراد بی شک حاصل

هر که خواهد که مصحف خنیم را ملاحظه نماید سوره حم سجده بخواند بعد در خواب معلوم شود
خیری یا بدی و دیگر آنکه عزت یابد و روزی وسیع افزاید و امان خورده [illegible]
منفعت بسیار که هر کس [illegible] هر روز وقت بامداد این سه سوره بخواند [illegible] خدا اله
او را از فقر و بی چیزی و قرضداری خلاص کند و [illegible] در پیش اعیان [illegible]
و خوار نبود در پیش عاملان و [illegible] و در پیش [illegible] عزیز و مکرم گردد و همیشه
با حرمت باشد و در پیش هر کس [illegible] حرف او در دل همه کس شیرین [illegible]
و نان فراخ روزی گرداند و در وقت خواندن [illegible] این که سوره های مذکوره
تمام نماید و [illegible] العظیم [illegible] نماید خداوند عالم برای
واجب گرداند [illegible] اول الکبیر [illegible] اوصدو [illegible]
ثانی والنازعات [illegible] ثالث والطور و کتاب مسطور [illegible] و النجم
اذا هوی خامس [illegible] الی [illegible] مجربات
که از [illegible] عالم [illegible]
مطالب و مقاصد [illegible] مبارک می باشند
و بارها مجرب [illegible] طعمس من



ع کاف
از بعضی [illegible] حکایت [illegible]
کن خادق [illegible]
محقق که در بعضی از کتب [illegible] ام که
بسیار [illegible]
و [illegible] باید که [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بخواند و [illegible]
[illegible]
حال در [illegible] یا کریم [illegible]

و هم چنین تا شب هفتم بد فرج و مخرج علامتی بر او بگشاید و در آنچه سبب خلاص او باشد

با او بخوانید پس از آن با تمام رد قصه آنکه محبوس بگوید و [illegible] دراز نشود و این خبر

بر خواندم [illegible] کنند [illegible] مرا از آن خبر با او آمد [illegible] و [illegible] سوره [illegible]

تا شب [illegible] که گویند تا هم گفت که [illegible] تو بر دست [illegible] ابراهیم [illegible]

هر روز خوانی [illegible] من آمد که او [illegible] خشم و گفت [illegible] کردم و خلاص شد

و دست از آن حبس بیرون آورد و از [illegible] بسیم که او گفت دست [illegible] حال او در [illegible]

گفت خوانی است از [illegible] و او [illegible] ابراهیم [illegible] و او [illegible] شخص که ترا محبوس

کرد [illegible] صحبت [illegible] از روی [illegible] کس [illegible] باشد [illegible] دست [illegible] مروی

در میان [illegible] و از مروت [illegible] تا این کار با تمام رسید باب [illegible]

[illegible] مجلس [illegible] خورد [illegible]

این که [illegible] این صورت قرار [illegible] خورشید [illegible]

هم [illegible] باب [illegible] مطلوب [illegible] مظهر

یا مجیب یا حبیب یا باطن [illegible] عشق [illegible]

[illegible] اللهم اعطف المودة

والعشق والقبول القول فی قلوب کل مسلم و مسلمة صفة کل الحی

بنی آدم و بنات حوا علی صاحب التعویذ فاصلی الله علی خیر خلقه

محمد و آله اجمعین باب [illegible]

[illegible] انا اعطیناک [illegible]

[illegible]

باب دیگر [illegible] مجرب است و [illegible]

[illegible]

۶۲۸۶ ... ا ا ا ا ا

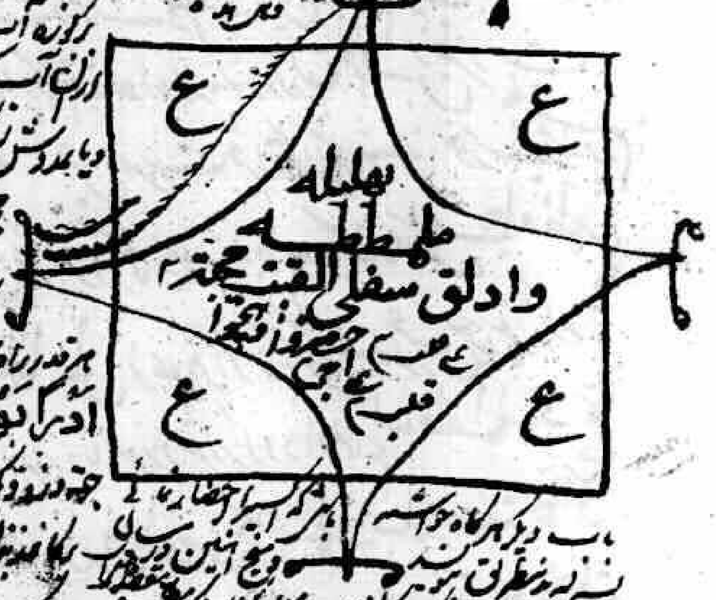
۲	۱۰	۳
۷	۹	۶
۸	۱	۱۲

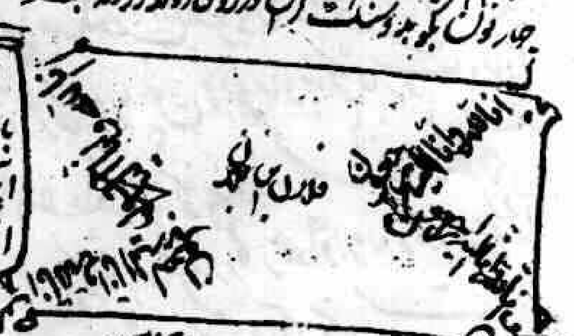
۱۴۸۲	۴ ۸ ۸ ۴	۸۲ ۴
۹۹۲		۹۱۴ ۲
۹۹ ۳ ۳	۱۹۴۲	۴۱۲ ۲

نحو محبت دوات ... و بخورد مطلوب
دهد که تسخیر گردد شکی ... ت

بنج خروج خارج اخراج فهد ...

باب اگر خواهی که کسی را از عشق خود بی‌قرار گردانی بنویس این نقش را و در میان
کوزه کهنه دفن کن اگر ... بیاید باب هر کس ... را ...
در کوزه آب ... و آب ... دهد
از آن آب بخورد ... بگرید ... شود
و یا ... کوزه ...
مجرب است باب از ...
... بنویسد ... بندد
هر ... شود مجرب است
ادرک نوح ... باب دیگر
... که ...
باب دیگر هرگاه خواهی ... تا ... شود
... بنویس ... بندد
چهار نون ... سنگ ... کن در روی ...
... در ... گرفته در طرف ... اندازد
... بعزت ... نام ... در ... بالای ...
باید ... پس ...
... این ...
انک انت علام الغیوب ...





وحق ...

دو ... [illegible]

ومن ثواب وضع الهموم اذا اردت ان يجعل الله فرجك بصرفوس نماذه فقل في كل يوم رب

العالمين اياك نعبد واياك نستعين اسألك باسمك العظيم الذي

تجليت به لموسى على الجبل فجعلته دكا وخر موسى صعقا ان

تصلي على محمد وآل محمد وان تطمس عني بصر من احببناه وتمسك

لسانه وتختم على قلبه وتحبس يده وتقعده من رجله انك على كل

شيء قدير ايضا ومنها ما ذكره ابن القضاة في شهواته انه كان من دعائه عليه وآله الصلوة

وحفظ من شر كل ذي شر هو اللهم اني اعوذ بك من علم لا ينفع وقلب

لا يخشع ودعاء لا يسمع ونفس لا تشبع واعوذ بك من شر هؤلاء

الاربع اللهم اني اعوذ بك ان اضل او اضل او اذل او اذل او اظلم او اظلم

او اجهل او يجهل علي ومنها دعاؤه في الغار رفعه صاحب عليه وآله من دعا به ...

واعطاه ثواب الف ... وهو قال يا مونس المستوحشين يا انيس المتفردين يا ظهر

المنقطعين ويا قوة المستضعفين ويا كنز الفقراء ويا موضع شكوى

الغرباء ويا منفردا بالجلال ويا معروفا بالنوال ويا كثير الافضال

اغثني عند كربتي وصلى الله على محمد وآله اجمعين

ومنها هيكل عظيم من كتاب ليالي الطوبى ان ... عليه السلام كان يقول لا ابالي اذا

قلته ولو اجتمع على الانس والجن وهو بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله وبالله

ومن الله والى الله وفي سبيل الله اللهم اسلمت نفسي اليك و

وجهت وجهي واليك فوضت امري واحفظني بحفظ الايمان

من بين يدي ومن خلفي وعن يميني وعن شمالي ومن فوقي ومن

يحيى وادفع عني بحولك وقوتك فانه لا حول ولا قوة الا بالله

العلي العظيم لديننا وفي كتاب [illegible] [illegible] في سماء

الف الف [illegible] وفي [illegible] الف الف [illegible] وجبرائيل [illegible]

[illegible] الف [illegible] ان [illegible] الف الف [illegible] سال [illegible] [illegible]

[illegible] فادعه [illegible] العظيم [illegible] فاستادن [illegible]

في زيارته فادن له [illegible] عند ثلاثة ايام [illegible] [illegible]

سبحان الله كلما سبح الله شيء وكما يحب الله ان يسبح وكما هو اهله

وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله والحمد لله كلما حمد الله شيء وكما يحب الله

ان يحمد وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله ولا اله الا

الله كلما هلل الله شيء وكما يحب الله ان يهلل وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم

وجهه وعز جلاله والله اكبر كلما كبر الله شيء وكما يحب الله ان يكبر وكما هو

اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله سبحان الله والحمد لله ولا اله الا

الله والله اكبر على كل نعمة انعم بها علي وعلى كل احد من خلقه ممن كان او يكون

وصلى الله على خير خلقه محمد وآله اجمعين [illegible] اللهم اني

اسئلك بانك انت الله الواحد الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن

له كفوا احد [illegible]

كهيعص [illegible] حمعسق [illegible]

[illegible] وعنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب

من حمل ظلما [illegible] ابن عباس في كتاب [illegible]

عن [illegible] فليغتسل [illegible]

[illegible] ويقول يا جبرئيل

يا محمد انتما كافيان فاكفياني وانتما [illegible] فاحفظاني وانتما كا



كالتاني

كالثانى فاكلأنى بعونك قال الصادق حق على العبد ان يقول ذلك

الا تقرؤه الفصل التاسع فى ادعية المسجون ونحوها روى ان الصادق عليه السلام علّم عبد الله

رجلاً مسجوناً فخلص وهو الهى عظم البلاء وبرح الخفاء وانكشف الغطاء

وانقطع الرجاء الا منك وضاقت الارض ومنعت السماء وانت

المستعان واليك المشتكى وعليك المعول فى الشدة والرخاء اللهم

صل على محمد وآل محمد اولى الامر الذين فرضت علينا طاعتهم و

عرفتنا بذلك منزلتهم ففرج عنا بحقهم فرجاً عاجلاً قريباً كلمح

البصر او هو اقرب يا محمد يا على ويا على يا محمد اكفيانى فانكما كا

فيانى وانصرانى فانكما ناصرانى يا مولاى يا صاحب الزمان ثلاث مرات

الغوث ثلاث مرات ادركنى ثلاث مرات الساعة ثلاث مرات العجل ثلاث مرات يا ارحم الراحمين

بحق محمد وآله الطاهرين وروى ان المحبوس اذا قرأ هذا الدعاء كل يوم سبعاً

فرج الله عنه وهو يا من كفانى من جميع خلقه ولم يكفنى من خلقه سواه

يا احد من لا احد له انقطع الرجاء الا اليك يا الله فاغثنى يا

غياث المستغيثين ومن كتب رفع الهموم والاحزان يقال للخروج من الحبس

اللهم انى اسألك العفو والعافية والمعافاة فى الدنيا والآخرة فصل فى تعقيب صلاة

الصبح اذا سلمت فسبح تسبيح الزهراء عليها السلام ثم قل ما مر ذكره فى تعقيب الاول ثم قل ما يختص

بهذا الموضع فعن الصادق عليه السلام من اراد دخول الجنة من اى ابواب شاء ويكون فى صحيفته

لا اله الا الله محمد رسول الله فليقل كل يوم عقيب صلاة الصبح الحمد لله الذى

اذهب الليل بقدرته وجاء بالنهار برحمته خلقاً جديداً ونحن فى عافية

منه بمنه وكرمه وجوده مرحباً بالحافظين وتلتفت عن يمينك وتقول

حياكما الله من كاتبين هنا هديتمني ونصت عن شمالك وتعول اكتبا رحمكما الله
بسم الله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا
عبده ورسوله واشهد ان الساعة اتية لا ريب فيها وان الله
يبعث من في القبور على ذالك احيى وعليه اموت وعليه ابعث
ان شاء الله اقرا محمدا صلى الله عليه وآله مني السلام ايات الشفا من كتبها
ونشربها برى من كل داء وهي ويشف صدور قوم مومنين وشفاء لما
في الصدور يخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فيه شفاء للناس
وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمومنين واذا مرضت
فهو يشفين قل هو الذي للذين امنوا هدى وشفاء ذالك تخفيف
من ربكم ورحمة الان خفف الله عنكم يريد الله ان يخفف عنكم
قلنا يا نار كوني بردا وسلاما على ابراهيم وارادوا به كيدا فجعلناهم
هم الاخسرين الم تر الى ربك كيف مد الظل ولو شاء لجعله ساكنا
وله ما سكن في الليل والنهار وهو السميع ولا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم ومن كتب ... قال يا معشر الجن
والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا
لا تنفذون الا بسلطان وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع
الا همسا وعنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما ...
... عليهم السلام ... على سلطان جابر ... ا يا من
بغمامه ... ام وبه ... صل على محمد واله واكفني شره

ومن کتاب دفع الهموم والاحزان اذا خفت من سلطان او غیره تقول فی وجهه حسبی الله

لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم ومن غضبه تقول

فی وجهه اطفأت غضبک یا فلان بلا اله الا الله اسمعنا قد رفی وجهه کتب الله

لاغلبن انا ورسلی ان الله قوی عزیز لیعنا دنه تقول اذا خفت ضرراً الله

الله ربی لا اشرک به شیئاً فلا یضرک حرز آخر للعین من کتاب الدعوات للراوندی

فی عن الحضرة النبویة نزل جبرئیل علیه السلام فعوذ به الحسن والحسین علیهما السلام من عین اصابتهما وهو

اللهم یا ذا السلطان العظیم والمن القدیم والوجه الکریم ذا الکلمات التامات

والدعوات المستجابات عاف فلانا من انفس الجن واعین الانس

الانس وقال صلی الله علیه وآله وسلم لاصحابه تعوذوا به اولادکم ونساءکم فانه ما تعوذ المتعوذ

بمثله ابدا وفی دعاء یوشع بن نون الذی ردت له الشمس وهو قوله اللهم انی اسئلک باسمک

الطاهر المطهر المقدس المبارک المخزون المکنون علی سرادق العرش

وسرادق المجد وسرادق الکبریاء ادعوک یا رب بان لک الحمد لا

اله الا انت النور البادی الرحمن الرحیم الصادق عالم الغیب والشهادة

بدیع السموات والارض ونورهن وقیامهن ذو الجلال والاکرام

حنان نور دائم قدوس حی لا یموت از برای کسی که در زندان محبوس گردد

باشد این آیه بنویسد هر روز در خوش آب نا کسی حرف زند تا چهل چهار یوم هر روز ده

مرتبه که الله نور السموات والارض مثل نوره تا آخر آیه اگر محبوس صدهٔ باشد او را اسب یا شد

بزودی خلاص شود اگر کسی که خواب رفته و در خواب چیزی می بیند وقت صبح بیدار شود

اینده باشد بگوید الله آن خواب به نیکوی مبدل گردد و بر بعده اعوذ بما عاذ

به ملائکة الله المقربون وانبیاء الله المرسلون وعباد الله الصالحون

من شر ما رأیت فی رؤیای بیدار و می خوانند بکمر بسته قل هو الله احد و معوذتین

معوذتین بخوانند مجربست این شرح پنج گنج روایتست که در شرح پنج گنج که این پنج گنج را

حضرت جبرئیل از حضرت رب العزت بحضرت مصطفی صلی الله علیه و آله آورد

و نیز منقول است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که هر که این

پنج گنج را بخواند و در عدد بعدد ... آنکه هیچ بنده باشد

که قصد او کنند ... و دشمن از برکت این پنج گنج عاجز و ظفر نشوند ... این است

بدین اختیار ... بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و اتوکل علی الله و افوض امری

الی الله ان الله بصیر بالعباد و استفتح بالله و استنجح بالله و اسئل الله لا قوة الا

بالله وما النصر الا من عند الله شهد الله قل هو الله اللهم احرسنا

بعینک التی لا تنام واکنفنا برکنک الذی لا یرام وارحمنا

بقدرتک علینا ولا تهلکنا برحمتک یا ارحم الراحمین الگنج الثانی

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم من ارادنی بسوء فارده ومن کادنی

فکده ومن بغی علینا فاهلکه رب تقبل توبتی واغسل حوبتی

واجب دعوتی یا امان الخائفین یا الله یا رحمن یا رحیم یا قیوم

الگنج الثالث بسم الله الرحمن الرحیم اللهم اهدنا من عندک وافض علینا من فضلک

وانشر علینا من رحمتک وانزل علینا من برکاتک ونعوذ بک منک عز

جارک وجل ثناؤک ولا اله غیرک یا قادر الگنج الرابع بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

اللهم احفظنا عن ایماننا وعن شمائلنا واجعل ... واجعل

علی من ظلمنا وانصرنا علی من عادانا ولا تخذلنا وانت ... یا رحمن

الگنج الخامس بسم الله الرحمن الرحیم

الکنج السادس بسم الله الرحمن الرحیم یا شاهداً غیر غائب و یا قریباً غیر بعید

و یا غالباً غیر مغلوب و یا خالق غیر مخلوق و یا رازق غیر مرزوق

و یا معبود غیر عابد اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ارزقنی

نعم الدنیا و الآخرة یا حکیم یا ارحم الراحمین اللهم صل علی محمد و آل محمد

تمت الکنج بسم الله الرحمن الرحیم نادِ علیاً مظهر العجائب تجده عوناً لک

فی النوائب کل هم و غم سینجلی بولایتک یا علی یا علی یا علی اللهم احفظ صاحب

هذا التعویذ من جمیع البلاء و العلل و المرض و عین الحساد و شر الجن

و الانس بحق محمد المصطفی و علی المرتضی و ائمة المعصومین صلوات الله

علیهم اجمعین باب منقولست از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود اگر کسی در روز

چهارشنبه سوره ان دعا [illegible] پیش از طلوع آفتاب بنویسد با خود دارد دشمن از او دور شود از تیر

و تفنگ و نیزه و شمشیر نگاه دارد باید وقت که نوشتن ان نوشتن غسل کند و جامه پاک بپوشد و خود

معطر سازد و در وقت نوشتن بخور و صندل سفید یا عنبر [illegible] بسوزاند و در [illegible]

قبله کند باید که در قبضه کمان و قبضه شمشیر و خنجر بیاویزد و در زیر آن بنشیند و [illegible] کند

و با [illegible] بسته و بدن بالد [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم

یا معید یا انشاه اذا برز الخلائق لدعوته من مخافته و چون خواهد

زوج در نوشتن کند [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم السلام علیک یا قرة

عینی و یا نور بصری و یا حبیب قلبی یا رسول الله صلی الله علیه و آله

[illegible] زوج در [illegible] معظم و مکرم کند [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی

اعوذ بك من شر هذا الشهر ومن شر كل شدة وبليّة

اللهمّ فانّه قد بت فيه يا دهر يا ديهور يا ديهار يا ازل يا ابد

يا كان يا كينون يا كينان يا مبدئ يا معيد يا ذا العرش المجيد

انت تفعل ما تريد اللهمّ احرس بعينك نفسي واهلي ومالي

وولدي وديني ودنياي اللهمّ انت ابتليتني بصحتها بحق الابرار

والاخيار برحمتك يا ارحم الراحمين بحرمة اللهمّ صل على محمد وآله بعدد

شهر الصفر وايامها ولعلني خاشعا من عذابك لما تسخر آوازه ... ميند

دروزه زانوی ... اگر میتوانند در زیر زانوی ... زود زود ... شغال ...

يا سبح محمد مكالح محرم ... در ظرف ... بانج

که از مجربات است و در همه تجربه ... است از برای هر مقصدی از محبت و تعریف و مقصود

و عدم ... و محفوظ بودن از بلیات و مقبول القول بودن و عقد ... از برای

وجود ... از برای هر مطلب ... ساعت ... باید

اگر از جهة عداوت باشد بنویسد در ... دفن نماید از برای محبت و ... در منزل

الشخص دفن نماید و ... خرید و فروخت ... طریق ...

٢١ ط	١٩ ن	١٧ م	١٥ ج	١١٣
	٢١ ط	١٩ ن	١٧ ع	١٣ ج
		٢١ ط	١٩ ن	١٢٥
			٢١ ط	١٩ ن
				٢١ ط

که در ... بسم الله ... بنویسد

باب دیگر ... این اسم ...

جب بنویسد و ...

جن ... شمون

یهون بیرد لا ...

... من هب هب

من هب هب من هب هب

مهطسکصوام هطس لص

الالا ٢١٤٢٤٣

دار ...


بسم الله الرحمن الرحيم
إذا جاء نصر الله والفتح ورأيت الناس يدخلون في دين الله أفواجا فسبح بحمد ربك واستغفره
إنه كان توابا

فسوف يدعوا ثبورا

ويصلى سعيرا انه كان في اهله مسرورا انه ظن ان لن يحور

بلى ان ربه كان به بصيرا فلا اقسم بالشفق

والليل وما وسق والقمر اذا اتسق لتركبن طبقا عن طبق فما لهم لا يؤمنون واذا قرئ عليهم القرآن لا يسجدون

بل الذين كفروا يكذبون والله اعلم بما يوعون فبشرهم بعذاب اليم الا الذين آمنوا وعملوا الصالحات لهم اجر غير ممنون

ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات لهم جنات تجري من تحتها الانهار

ذلك الفوز الكبير

ان بطش ربك لشديد انه هو يبدئ ويعيد وهو الغفور الودود

ذو العرش المجيد فعال لما يريد هل اتاك حديث الجنود

فرعون وثمود بل الذين كفروا في تكذيب

والله من ورائهم محيط

بل هو قرآن مجيد في لوح محفوظ

در خصوصیات امام حسین علیه السلام منقول است که هر که شب را صوله و ورد خود سازد و در عقیق شده نقش از جمله لطائف تکیه نکند برکت کف دست او عمو گردد و دور و با و نظر کند و سوره انا انزلنا بسوره تا آخر بگوید بعد از آن بگوید امنت بالله وحده

لاشریک له وکفرت بالجبت والطاغوت و امنت بسر آل محمد و

علانیتهم وظاهرهم وباطنهم واولهم واخرهم و قسم که با تمام سری

خداوند عالمیان او را نگاه دارد و در آن روز از شر آنچه از آسمان ظاهر شود هم آنچه بالا میرود بسوی آسمان و آنچه از زمین فرود می آید در حفظ حمایت خدا باشد مجرب است

بجهت هر علت هفتاد مرتبه حمد را بخواند بر مریض دمد البته شفا یابد و باب بجهت درد دندان

مجرب است بر خشت خام بنویسد و بشوید و در حوض آب بیاندازد و چون

خشک شد بیاندازد در دو جانب عمارت زائل شود بسم الله الرحمن الرحیم

وقل الحمد لله سیریکم آیاته فتعرفونها وما ربک بغافل عما تعملون

بجهت ضرر تیغ و تیر و تفنگ یکتب علی قرطاس و تعلقها علیک فان السیف و النشاب

والبندق لا یؤثر فیک فاذا اردت ان تجربه فاکتبه و علقه علی فرس او علی بهیمة

وتضربه بالسیف و النشاب و البندق فانه لا یعمل فیه شیئا ابدا و قد جرب مرارا

کثیره فصح و هذا المکتوب اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم

سبحان الذی یسبح الرعد بحمده والملائکة من خیفته وهو علی کل

شیء قدیر واعتصمت بالله بالف الف لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

کما عقلت لسان العقرب والحیة ولسان الحیة وعین الکافر بقول اشهد

ان لا اله الا الله محمد رسول الله علینا ... ب و ک ل ت



ع ل ی ال ل ه ااااااا ااااااا ...

در روز ... شهر صفر المظفر در سنه ۱۲۹ ...

هر کس این اسم بعد را مداومت نماید در مدت چهل چهار روز م

در هر روزی چهل چهار مرتبه بخواند ابواب فتوحات غیبی و در رزق بروی وی گشاده

گردد و اگر یک در مجلس به همین عدد بخواند که حاکمش متغیر گشته باشد بخواند بدهاو عزیز

می‌نماید و خیلی اثر عظیم [illegible] همه خلایق محتاج او گردند اسم اینست بسم الله

الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک بحق الغنی علیک یا غنی الکریم

الوهاب ذو الطول فلا ینقص شیء من خزائنه یا غنی ۱۹۳۶

دعای کیسه در ساعت [illegible] باشد بنویسد در کیسه نگاه دارد مجرب است بسم الله

الرحمن الرحیم ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل

ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ذو الطول ذو الطول

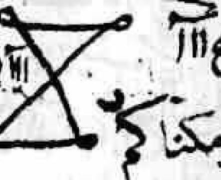
ذو الطول ذو الطول

سوره [illegible] هر روزه یوم الاحد ذو الطول ذو الطول

یوم الثلثاء لیله السبت مریخ است [illegible] اللهم اغننی بحلالک عن حرامک

یوم الاربعا ولیله الاحد عطارد است مصطفی وبفضلک عمن سواک ۹۹۹۹

یوم الخمیس ولیله الاثنین مشتری است [illegible] ۹۹۹ [illegible]



یوم الجمعه ولیله الثلثاء زهره است [illegible]

و [illegible] لیله الاربعا و یوم السبت زحل است ولقد مکناکم فی الارض

وجعلنا لکم فیها معایش قلیلا

و [illegible] در [illegible]

[illegible] ما تشکرون [illegible]

این مربع [illegible]

۱۴۶

بابا رکن

یا نار کونی یا قهار ابراهیم

یا نار کونی	ابراهیم	علی وسلاما	سلاما بردا
علی وسلاما	سلاما بردا	یا نار کونی	ابراهیم
بردا سلاما	علی وسلاما		یا نار کونی
ابراهیم	یا نار کونی	سلاما بردا	علی وسلاما

بجهت رفع بهار و دفع خشم زخم بدن
و حسودان و خارات و باد درد [illegible] زن
مرد و [illegible] کار [illegible] باشد
زیر دست [illegible] شخص [illegible]
با خود دارد [illegible] اولاد [illegible]
و نبات [illegible] بسته کرده و اگر
زیر [illegible] قبل [illegible]

کوزه و هر کس در بند [illegible] بخورد و باد در [illegible] زن شوهر [illegible] با یکدیگر مهربان گردد [illegible]

و هر کس با خود دارد [illegible] گردد یا ودود یا ودود یا ودود یا فعال لما یرید

یا ذالعرش المجید املاء بنور وجهک الکریم و باسمک العظیم الاعظم

[illegible] علیا هم اهیا شراهیا

اذونی اصباوث آل شدای و بحق تورات موسی و انجیل

عیسی و زبور داود و فرقان محمد المصطفی و بحق جمیع انبیاء ع

و ملائکه کلهم اجمعین و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم هذا

یوم لا ینطقون و لا یؤذن لهم فیعتذرون [illegible] که در [illegible] باشد

و یا [illegible] باشد که از [illegible] و خواندن این فقرات را [illegible] چند روز

[illegible] اداد و اما کان ارید فتوبی له [illegible]

مراد [illegible] حاضر شود [illegible] و زندان [illegible] هر قدر می‌خواند [illegible]

[illegible] انا کفیناک المستهزئین [illegible]

تا [illegible] روز هر روز [illegible] مرتبه بخوانید یا درد [illegible]

هر کس [illegible] هر روز چهل یک سوره والتین بخواند [illegible] از عالم غیب [illegible]

[illegible]

جهة درد دندان اگر خوشه [illegible] گوشت دندان یا دندان سست شود و گوشت [illegible] برود [illegible]
اجزای مزبور [illegible] دیگر صندلیه [illegible] هر دو دندان بریزد و خیره روغن [illegible] کند بهتر خواهد شد [illegible]
تخم مرو تخم [illegible] رطب [illegible] و قولنج [illegible] عارض [illegible] اجزای مزبور [illegible]
[illegible] ارزن [illegible] [illegible] با عسل ممزوج [illegible] شب [illegible] خورد خوب [illegible] شد
بجهة درد کمر و قوه باه [illegible] اگر [illegible] خوب صندلیه [illegible] مرغانه [illegible] سفید [illegible] زرد تخم [illegible]
برزده مرغانه ممزوج کرده بخورد اثر عظیم دارد و بسیار مجرب است [illegible] در دهای [illegible]
او کرده [illegible] بسیار قوه می‌دهد و [illegible] مجرب است [illegible] مثقال [illegible] تخم [illegible]
قدری [illegible] مجموع [illegible] سوده با عسل ممزوج کرده و [illegible] نموده [illegible] ساخته در وقت
حاجت با مجامعت [illegible] درد [illegible] نافع [illegible] مجرب است [illegible]
[illegible] مروارید کهربا [illegible]
[illegible] ممزوج [illegible] حب سازند در وقت [illegible] دارد [illegible]
[illegible] قولنج [illegible] فلفل [illegible] مصطکی
از هر یک [illegible] مثقال [illegible] قند سفید [illegible] مثقال کوفته همه را [illegible] ممزوج
و بجهة [illegible] سازند هر حب [illegible] مقدار نخودی [illegible] کرده بخورد [illegible] مجرب است بجهة قوه
باه تخم [illegible] مثقال بکوبد با روغن [illegible] بمالد که قوه [illegible]
[illegible] بول [illegible] خواب [illegible] بول [illegible]
[illegible] بخورد [illegible] شب [illegible]
درد [illegible] مرا [illegible] می‌دهد [illegible]
بجهة قوه باه مجرب [illegible] قوی کند [illegible] ممزوج [illegible] روز
ناشتا [illegible] بخورد [illegible] که حضرت سلیمان [illegible] هر روز
[illegible] فلفل کردی [illegible]
و یک درم تخم [illegible] صندلیه [illegible] ناشتا می‌خورد
[illegible] زنان [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

بسند معتبر منقولست که شخصی بحضرت حضرت صادق ع عرض نمود که هشت دختر مرا بهم
رسیده و روی پسر تا حال ندیده ام دعائی بفرما که خدا مرا پسری کرامت فرماید حضرت
فرمود شب که میخواهی بنشینی مشغول جماع شوی دست خود را بر طرف راست ناف زن
بگذار و هفت مرتبه سوره انا انزلناه را بخوان و بعد از آن مشغول شو چون حامله
ظاهر شود در هر شب هر وقت که از پهلو به پهلو گردی باز دست بر جانب راست نافش
بگذار و هفت مرتبه همان سوره را بخوان آن شخص گفت که چنین کردم هفت پسر پی
در پی خدا مرا روزی کرد انتهی ایضاً بسند معتبر منقولست از ابو عمرو که گفت
بسیار حالم پریشان شده از فقر و از قرض و احتیاج عریضه بخدمت حضرت امام
محمد تقی ع نوشتم و احوال خود را با آن بزرگوار اظهار کردم حضرت در جواب نوشتند
مداومت کن بر قرائت سوره انا ارسلنا نوحا الی قومه راوی میگوید من [illegible]
مداومت کردم تا یکسال اثری از آن ندیدم باز دیگر بخدمت آنحضرت نوشتم حال
خود را عرض کردم از خواندن آن سوره که نفعی بمن نرسید حضرت بمن نوشتند
اگر یکسال خوانده کافی نیست آنحال سوره انا انزلناه را بخوان [illegible]
تا تأثیر نگاه بخشد و حب الخوانیش توهم آید تا حالت نیکو باشد میگوید من چنین [illegible]

بعد از اندک وقتی آن اب داد و قرضم را ادا کرد و وظیفه برمن و عیالم مقرر کرد و مرا وکیل
کرد به بصره فرستاد و پانصد درهم برای من مقرری قرار داد و من از بصره نامه نوشتم
بخدمت امام علی نقی ع و بعد از این مهربانی روادم فرستادم و در آن نامه نوشتم که بیان
حال خود عرض کنم و مرا بنا چنین نوشتند و عمل کردم و حالم خوب شده است میخواهم بعرض
که آیا اکتفا کنم در خواندن سوره انا انزلناه در نمازها و واجب و سنت یا در غیر نماز
هم بخوانم اندازه و شمارش را بفرما حضرت در جواب نوشتند که هیچ سوره را
از قرآن ترک مکن نه کوچک نه بزرگ و از خواندن انا انزلناه در هر شبانه روزی
صد مرتبه کافیست ایضاً بسند معتبر از حضرت امام موسی کاظم ع منقولست که هر که ده مرتبه
بعد از نماز عصر سوره انا انزلناه را بخواند مثل اعمال جمیع خلایق از ثواب در کرامت
و نیز ایضاً بسند معتبر منقولست که حضرت امام محمد تقی ع چون در ماه تازه داخل میشدند
در روز اول ماه دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد
و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه انا انزلناه فی لیلة القدر میخواندند و بعد از نماز
آنچه میسر بود تصدق میکردند و سلامتی آن ماه را باین عمل میخریدند ایضاً مروی است
که در حادثه روزگار کار بر تو تنگ [illegible] و کار بر تو [illegible] بخوان این آیه را با چهل دفعه هر روز

پنجاه و دو مرتبه از سر صدق بخواند البته که کتابت می‌یابد بلا شک و لا شبهه و من یتق الله یجعل له
مخرجاً و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء
قدرا ایضاً بسند موثق مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که هر گاه کسی
به رنجی درمانده باشد و به رنجی گرفتار شده باشد باید این دعا را بخواند که از آن بلا و رنج خلاص یابد
و محنت او به شادی مبدل گردد اللهم برحمتک ارجوا فلا تکلنی الی نفسی طرفة
عین و اصلح لی شأنی کله لا اله الا انت و هم آنحضرت فرمودند که هر وقت
اندوه و غم داری بگو که الله ربی و لا اشرک لی شیئاً ایضاً از حضرت امیر المؤمنین
علی ابن ابیطالب روایت کرده است که گفت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که چون
زلزله حادث شود بدو قدری نزد شوید بگوئید لا اله الا الله العلی العظیم سبحان
الله ربنا [illegible] رب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین ایضاً نقل است
که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم اندوهی و غمی بودی گفتی حسبی الرب من العباد
و حسبی الخالق من المخلوق و حسبی الرازق من المرزوق حسبی من هو
حسبی حسبی الله و نعم الوکیل لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش
العظیم و هم آنحضرت فرمودند که هیچ کار بر من دشوار نشد الا آنکه جبرئیل علیه السلام

و نظر من متمثل گشت و گفت ای محمد قل توکلت علی الحی الذی لا یموت و الحمد

لله الذی لم یتخذ ولداً و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی

من الذل و کبره تکبیراً اسم آنحضرت هیئة گفتم لا خلاف ان هذا هو الاسم

الله الاعظم یا حی یا قیوم برحمتک استغیث ابوالحسن مقری روایت میکند که آشنائی

داشتم ابواحمد نام که در تبحر علم قرآن و تحصیل وجوه قرائت مردی صالح و مستور بود و تعویذ بسیار

نوشتی و مردمان بشیوه معتقد فیه بود و بواسطه مودت و قلوب محبت و در میان او و

مردمان محبت حاصل شده روزی با وی نشسته بودیم و با صحبت که دل اشتغال

ناگاه دیدیم غلامی بسیار بمنزل او در آمد سلام کرد علیک شنید آمد نشست تا خیلی خوب

و خوش خلق و خوب روی و صاحب کمال و مدرکه با نهایت داشت لهذا عکسی از چهره اش

نمایان بود را ملاحظه رو کرد با بو احمد گفت یا شیخ من غلام خلیفه بغدادم و در پیش

خلیفه بغداد تقرب بی نهایت داشتم هر چه استدعا میکردم قبول میکرد و دشمنی برای

من پیدا گشت آنقدر بدگوئی مرا بخلیفه اظهار نمود تا آنکه قلب و رای خلیفه از من برگشت

مرا از حضور اعلی خود اخراج کرد الآن میخواهم از آیات قرآن چند فقرات بجهه لطف

و تعویذ عطف محبت از برای من بنویسی تا خداوند من بر من مهربان شود و مرا در حرم

خود بمقام اول برسانید ابواحمد میگوید خوف غلام در دلم اثر نمود و در اسخ شدم آنچه بنسید اسم

و آنچه رسم بود در تعویذ محبت نوشتم و تعویذ این آیات سوره فاتحه و معوذتین و آیه الکرسی

و آیه لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره و لو انفقت ما فی الارض جمیعا و من آیاته ان

خلق لکم من انفسکم ازواجا تا آخر آیه و اذکروا نعمة الله علیکم اذ کنتم

اعداء تا فانقذکم منها اینها را نوشتم تعویذ کردم گفتم بگیر با طهارت بر بازوی

راست خود ببندد و دل در رحمت خدای لایزال ببندد تا در لطف خود بروی تو گشاید

گردانید و آن رقعه را از من فرا گرفت برخاست و دیگر بار در پیش من نیامد و از من عذر خواست

و دفت [illegible] قریب یکسال گذشته بود غلام پیش من آمد با طمطراق و شوکت و چنین نمود که

در عقبش کیفیت که از برکات سید بن اطهار نمود که نوشتم بحرمت تعویذ تو [illegible]

مرا بمقام اول خود رسانید و صد دینار در برابر من نهاد برخاست و گفت ای شیخ

واجب گردید بر خود هر سال مبلغ خطیری بتو رسانم بسند معتبر روایت که راوی

معتبر القول و مقبول الشهادة میگوید آن [illegible] ابوجعفر منصور ابراهیم ابن

عبدالله را بقتل رسانید فرمود تا مرا [illegible] آل ابوطالب از مدینه بکوفه آوردند

امام جعفر صادق علیه السلام را بمجلس خود احضار فرمود و من هم در خدمت جناب جعفر ابن محمد الصادق

بودم آنحضرت را در صدر مجلس و در پیش خود نشانید گفت یابن ابیطالب انت الذی

بعلم الغیب حضرت فرمود نعم یابن منصور از این تحقیقات چه سیدی علم

غیب بود مقصود و مطلب چیست گفت مطلب این است که میخواهم شجره نبوت

و ولایت را از بیخ برکنم ترا و جمیع آل ابوتراب را بقتل رسانم حضرت فرمود

از پدرت خبر والله العلی العظیم بمویی از سر اولاد ابوتراب کم نخواهی کرد همان ساعت

ربیع حاجب که وزیر خود بود گفت ای ربیع حاجب خارج کن از مجلس من اولاد

ابوطالب را و بسپار بدست جلاد و بنهاد تا سر او را قطع نماید راوی گوید من تیر ترکش

افتادم نزدیک بود از خود بیخبر شوم همان وقت دیدم که لبهای مبارک فرزند

رسول الله جنبانید دقیقه نگذشت که جعفر منصور از قتل آن بزرگوار گذشت

و از ترس و بیم پشیمان شد گفت ای مولا از تقصیر من بگذر نزدیک بود ایمان

کار دنیا و آخرت بشوم حضرت از مجلس او بیرون آمد بمنزل خود رسید

برادرم عرض کردم یابن منصور رسول الله در مجلس جعفر منصور در حین غضب او

لب مبارک می جنبانید آنچه بود که برکت خدا تعالی شر او را از تو کفایت

کرد امام جعفر صادق علیه السلام فرمود تو هم مرد مقدسی که محبت و مودت در دل بسیار

داری به اهل بیت عصمت تو هم از آنچه خواندم آن عزیمتی بود که اسم اعظم ا

لا بعد الا کار

از جد بزرگوار ما که پیغمبر صلی الله علیه و آله باشد بما رسیده است آنرا همیشه از غیر اهل محرم داریم

که او را دعای فرج خوانند که رسول صلی الله علیه و آله کار سخت هر آینه پیش آمدی

این دعا را میخواندی مطلبش حاصل میشدی و الله طبقه بعد آسمان و زمین، باید عالم

و معاومت و ثابت باشد و بعد نیت که شروع میکنی بعد مرتبه بخوان، طهارت البته که بجا

آورده باشی، لقطع بلا شک و لا شبهه کفایت میدهد و آن دعا این است دو رکعت نماز بجا

بگذارد و بعد شروع نماید بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم احرسني بعينك التي لا تنام واكنفني بركنك الذي لا يرام

وارحمني بقدرتك علي واهلي وانت رجائي فكم من نعمة انعمت بها

قل لك بها شكري وكم من بلية ابتليتني بها قل لك صبري فيا من قل عند

نعمه شكري فلم يحرمني ويا من قل عند بليته صبري فلم يخذلني ويا من رآني

على الخطايا فلم يفضحني اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وبارك

على محمد وآل محمد كما صليت وباركت وترحمت على ابراهيم انك

حميد مجيد اللهم اعني على ديني بالدنيا وعلى آخرتي بالتقوى

واحفظني عند ولا تكلني الى نفسي فيما حضرته يا من لا تضره الذنوب

ولا ینقصه المغفرة هب لی ما لا ینقصک واغفر لی ما لا
یضرک انک انت الوهاب اللهم انی اسئلک الغنی عن
الناس ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم به سند
موثق مرویست که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند که هرکه صد آیه بخواند
از هرجای قرآن که باشد و بعد از آن هفت مرتبه یا الله بگوید اگر بر سنگی دعا کند
خدا او را البته بشکافد و بسند معتبر از حضرت موسی ع منقولست که هرکه از بلیه بترسد
از هر جای قرآن که باشد صد آیه بخواند بعد از آن بگوید سه مرتبه اللهم اکشف
عنی البلاء البته که خدا آن بلا را از او دفع نماید باب دیگر اگر کسی خواهد
میتی را در خواب ببیند با وضو در وقت خوابیدن بخواند و بخواند البته میت را در خواب
ببیند هرچه سؤال کند بگوید اللهم انت الحی الذی لا یوصف والایمان
یعرف منه منک بدت الاشیاء و الیک تعود فما اقبل
منها کنت ملجاه و منجاه و ما ادبر منها لم یکن له ملجا و لا
منجا منک الا الیک فاسئلک بلا اله الا انت واسئلک
بسم الله الرحمن الرحیم و بحق حبیبک محمد صلی الله علیه و آله

از جهت استجابت

سید النبیین وبحق علی خیر الوصیین وبحق فاطمة سیدة
نساء العالمین وبحق الحسن والحسین الذین جعلتهما
سیدی شباب اهل الجنة صلوات الله علیهم اجمعین ان تصلی
علی محمد وال محمد وان ترینی میتی فی الحال التی هو فیها

ایضا کسیکه بمرضی مبتلا باشد و معالجه آن دشوار باشد باید که وضو بسازد و غسل کند
و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوشد در رختخواب پاکیزه بخوابد و دل با الله
بخوابد و بخواند سوره الم نشرح [illegible] ده بار ... ده بار سوره والضحی و بعد بگوید
اللهم ارنی فی منامی دوائی و [illegible] واجعل لی من امری فرجا ومخرجا
واگر در شب اول دید ملتمس والشمس واللیل را هفت مرتبه هفت مرتبه
با آن سوره ضم نماید تا بمدت هفت شب ترک ننماید و دوای درد خود را در خواب ببیند
ایضا اگر کسی خواهد که یکی از پیغمبران یا ائمه علیهم السلام را در خواب ببیند باید در
بخواند سوره والشمس واللیل و سوره قدر و چهار قل را هر یکی را یک مرتبه بعد از آن
صد مرتبه توحید و صد مرتبه صلوات بفرستد و رو بجانب [illegible] است با وضو بخوابد که
آنکس را در خواب ببیند و ایضا منقول است کسی خواهد که امری را متوجه

بسم الله الرحمن الرحیم

در جمع اسرار خفیه عشق که دعای کبیره نیز گفته و دارد مجرب است

دعای کبیره هفتم هر ماه

و ان تعدوا نعمت الله لا تحصوها ان الانسان لظلوم کفار

... از اول تا آخر آیة الکرسی ...

نزد اذ خوابیده و بعد از آن باید که در وقت خوابیدن با وضو در جانب راست بخسبد و بگوید

افحسب الذین کفروا تا آخر سوره کهف بعد از آن بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و ارنی فی منامی ما اطلب وجهه ان کان لی فی کذا مطلب

ام بر در خیره و ان کان لی فی کذا مطلب را بگوید شرا فارنی سوادا

دعای کبیره

وحمره بعد از آن بخوابد اگر سفیدی و سرخی در خواب ببیند خوب است آن امر را کرد

سیاهی و سرخی منه البته کند است دعای کبیره در هفتم هر ماه باید بنویسد

بخود دارد یا فتاح یا رزاق یا غنی الکریم والوهاب و ذی الطول

یا واسع رزاق العباد بسم الله الرحمن الرحیم ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ذو الطول

ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ذو الطول

ذو الطول

ذو الطول ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ذو الطول یا غنی یا ولی

یا وفی یا علی یا ملی یا مستطیع یا منتقیع یا سعید یا وحل

دره اللهم افتح و انزل علی فلان بحق النبی و آله الکرام

وح ال ددل کسه سح اا ذا ارود لاود لا تمام شد

ایضا دعای کبیره که در جمعه در میان نماز ظهر و عصر باید نوشت مجرب است ال ا ۳

هو لله بتوح وح ال ود سکل الله تمام

در کمی بحو

در کتاب بحر المنافع آورده اگر کسی را مهمی درمانده باشد یا در ورطهٔ افتاده باشد و در راه عدو بر
خود را اندازد یا در بند و زندان گرفتار باشد این آیه را ورد خود سازد تو خلاصی یابد و مهم او برآید
بر این نسبه وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد بحرمت آن مرد که به
غارت ... او در دهن ... رزق و از غیب ... ذکر مشغول ... دامان
مصطفی کریم ... آورده که در بیان فریضه و سنت ...
بسوی المغالب الی المقاد ... در آید و از ورطه که در آن افتاده خلاص
و اگر در زنجیر حبس شده باشد ... آن زنجیر بقدرت الله تعالی ...
کرد فصل چهارم در دفع زبان بد و عقد لسان در ... آورده جهت عقد لسان ...
نوشته با خود دارد بسمله طه طه طه طه طه حم حم حم حمعسق حمعسق حمعسق
حمعسق طسم طسم طسم طسم ن والقلم وما یسطرون ... کهیعص
کهیعص کهیعص کهیعص الیوم نختم علی افواههم وتکلمنا ایدیهم وتشهد
ارجلهم بما کانوا یکسبون صم بکم عمی فهم لا یرجعون ورد الله الذین کفروا
بغیظهم لم ینالوا خیرا وکفی الله المومنین القتال وکان الله قویا عزیزا
ایضا در صبح و شام با خود ... از حضرت امام زین العابدین علیه السلام

جهت عقد اللسان

در مهج الدعوات روایت کرده بسمله سددت افواه الجن والانس والشیاطین
والسحرة والابالسة من الجن والانس والسلاطین ومن یلوذ بهم بالله العزیز الاعز
وبالله الکبیر الاکبر بسم الله الظاهر الباطن المکنون المخزون الذی اقام به السموات
والارض ثم استوی علی العرش بسمله ووقع القول علیهم بما ظلموا فهم لا ینطقون
ما لکم لا تنطقون قال اخسئوا فیها ولا تکلمون وعنت الوجوه للحی القیوم وقد خاب من حمل
ظلما وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه
وفی آذانهم وقرا واذا ذکرت ربک فی القرآن وحده ولوا علی ادبارهم نفورا واذا قرأت
القرآن جعلنا بینک وبین الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا وجعلنا
من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون الیوم نختم علی افواههم
وتکلمنا ایدیهم فهم لا ینطقون لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم
ولکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین نوع دیگر

لبعضا عجم الملک

این عزیز را نوشته با خود دارد زبان بدان بسته کرد و عقدت لسان بنی آدم وبنات حواء شددت
افواههم من صغیر او کبیر وذکر او انثی وحر او عبد علی حامل هذا الدعاء ابن فلان ابن
الواحد القهار الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد
صم بکم عمی فهم لا یبصرون عقدت لسانهم وسددت افواههم بحق کهیعص حمعسق

حم عسق وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون ختم الله على

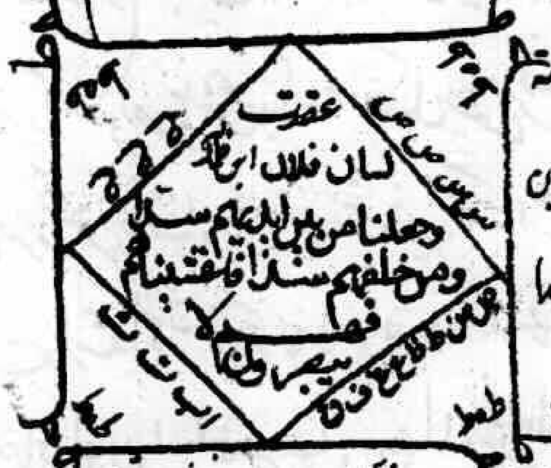
قلوبهم وعلى سمعهم وعلى ابصارهم غشوة وبالله الذي لا اله الا هو الحي القيوم الا ان

الله نصير الامور عقدت عقدا شديدا لا يفتح الى يوم القيمة الشاذ كانهم حمر مستنفرة

فرت من قسورة الساعة الساعة الساعة الزبع الوحا الوحا العجل العجل بنويسد اين را

بجهة عقد لسان ودر زير سنگ گران نهند به نيت هر كه خواهد با لسن بسته گردد [illegible]

ومجرب است ودر نسخه ديگر در هر [illegible] بي در خانه اول [illegible] طرط



ص ص ع ع ف ق ودر دو سطر نوشته

عقدت [illegible] لسان فلان ابن

فلان وجعلنا من بين ايديهم سدا

ومن خلفهم سدا الى آخر الله

ودر مجربات آورده كه هر كه از اعدا و چشم زخم [illegible] ودشمنان [illegible] بنده از خواجه [illegible]

ويا از زبان حسودان بيم داشته باشد يا از ناسازگاري شوهر يا زيردستي از زبردستان

همانا كه بنشد اين دعا را نوشته با خود دارد زبان آدميان بر او بسته وجمله بر وي مهربان شوند

ودر چشم همه عزيز مي نمايد دعا اين است كه يا ودود يا ودود يا ودود يا فعالا لما يريد

عقد اللسان

یا ذا العرش المجید اسئلك بنور وجهك الكریم واسمك العظیم الاعظم

ااا ٧ ااا ااا ٦ ٩ ل ٧ ااا ٣ لهم علینا بها هیا شراهیا

اذ ونی اصباوث ایل شدای بحق توریة وانجیل وزبور و فرقان و صحف

انبیاء و ملائکه کلهم اجمعین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم هذا یوم لا ینطقون

ولا یؤذن لهم فیعتذرون ایضا آورده که عقد اللسان و قبیله آدم بر جامه ... و

هفت موم را بنیت هر که خواهد در دهن گیرد و محکم ... بخاید ... کند در جمعه

چون نزد آن کس رود ... زبان بسته گردد فصل پنجم در دفع غرق شدن و تلاطم و موج دریا

و دفع ضرر آتش و آب و باد و تیر و نیزه و شمشیر بجهت ایمن از غرق شدن کشتی و تلاطم

در وقت سوار شدن بر کشتی بگوید بسم الله و ما قدروا الله حق قدره الی قوله سبحانه

وتعالی عما یشرکون بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم بجهت دفع تلاطم و موج

بخوانند ... لا اله الا انت سبحانك انی كنت من الظالمین و آیة الکرسی بخوانند و از

حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چون در کشتی سوار شوی بگو بسم الله الی آخر الآیه و چون

دریا موج آید بر جانب چپ تکیه کن و به دست راست بجانب موج اشاره کن و بگو قفی

بقرار الله واسکنی بسکینة الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و در بعضی

عقد اللسان

روایات

روایات وارد شده است که در وقت اضطراب و تلاطم دریا به کشتی بسم الله اقرأ اسکن بسکینة الله

وقوی بقوة الله واهدأ باذن الله ولا حول ولا قوة الا بالله را هر کشتی من مکرر

بکشتی سوار شدم و در وقت تلاطم و امواج دریا آنچه حضرت فرموده بود خواندم پس در ساعت ساکن

میشد چنانچه گویا هرگز نبوده است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که از غرق ترسان

ترسد بگوید بسم الله مجریها الی آخر الآیه بسم الله الملک الحق وما قدروا الله حق قدره الی قوله تعالی

عما یشرکون و در حدیث دیگر از آنحضرت مرویست و سوختی کسی ترسد این آیه ان ولی الله

نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین آیه وما قدروا الله حق قدره آخر بخواند

ایمن گردد بجهة ضرر آتش و اطفاء آن در خواص القرآن مذکورست که بجهة دفع سوختن آتش

بر برگ مورد نویسد افرأیتم النار التی تورون الی قوله للمقوین از سوره واقعه

و در سایه کند تا خشک شود پس آنرا با روغن آمیخته بر سوختگی آتش طلا کند بزودی شفا یابد و بر

دیگر جهة دفع ضرر آتش تکبیر فرمودن ندو تو بر اذهب الباس رب الناس اشف

انت الشافی لا اله الا انت و در کتاب مکنونه آورده که هر که این حروف را در جهار دم

ء ء نویسد و در دیوار خانه محکم کند آنخانه از بیم سوختن و دزدی و زدن دزدان در امان میماند

این است ا د د د ز و کلا و هم چنین عالمان علم حروف و صاحبان این فن گفته اند که هر که

این شکل بر چوب نقش کنند اهطمخفش بنویسد و در آتش افروخته اندازد آتش فرو نشیند

و اگر در موضعی که آتش گرفته باشد از لدر آنجا افکند آتش فرو نشیند در مجمع المنافع آورده

که افسون هند برابر سوختگی آتش بخواند بحق شفا ب حل اک اکت بر حلی اکد حلالک

حکی لنتها دنها اکیا بختر سون انا نول جون بالنس برع لبستار

لیقا کعقه ب که در جای اگر آتش گرفته باشد بسمله را تا آخر بر سفال آب نرسیده سه مرتبه

بخواند و در آتش اندازد فرو نشیند لیقا آورده اند که اگر بسه پاره سفال آب نرسیده

سه مرتبه بخوانند و در آتش اندازند فرو نشیند و نسخه دیگر بر دیگر نوشته بسم الله طلبسوما

الرحمن هبسوما الرحیم برهسوما لیقا صد بر آتش بخوانند و بر آتش سرد گردد و هوم

دعای احب سید موربن امنت لوک کابات دب مات دنین بات

کربها دبن بیدات همنه تهنبهتن دکهنبن ملسوی جون کل

ا دهس کهنانی جاه بیند دهتیم انی خبری تبری منربود لم حبری نی بیس

کوت دیونا اکبان البرا دبنی کی اکیان جاه بیند دهتیم انی هنه

بنده کرتا سینها گفته ب اگر کسی خود کاد دیو بین را کاید دامن نفسید

با نس نغنو و اگر به شوکت دعقی را کی کند باید دو دست خود را آن جا مالد و آهن

در آتش ... دو نوشته ...

۲۲۲

۱۶۳

باب جهت محبت محبوب و برآمدن حاجات که از هر کس منظور داشته باشد در آخر شب

این آیهٔ شریفه را چهارصد و شصت مرتبه در خلوت بخواند و مطلب را در نظر آورد

که مکرر بتجربه رسیده است هذه الآیه انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن

الرحیم الا تعلوا علیّ و اتونی مسلمین و این لوح را نیز در جائی

که در نظر نباشد باید آویخت که دایم نسیم از او حرکت دهد و در حین خواندن

بگذارند کسی لبان و کند که بسیار مجرب است اثبت

مولانا محمد بیان فرموده اند

که بیت بار اسم یا بدوح

بگوید پس بگوید امزج الروح

بالروح بحق الرؤف

الودود که در دشت مدتی

۱۸ ۸	۶۶۷ ۱۱	۱۹۵۰ ۱۴	ب ۱
۱۰۹۴۸ ۱۳	د ۲	۱۶ ۷	۶۶۹ ۱۲
و ۳	۱۹۵۴ ۱۶	۶۶۳ ۹	۱۴ ۶
۶۶۵ ۲	۱۳ ۵	ج ۴	۱۹۵۸ ۱۵

محبت حاصل شود باب قاعده انکه بسم الله الرحمن الرحیم فرد حیی

قیوم حکم عدل قدوس علی طی مجموع عدد مجموع عدد نورا

۱۱۰ ۱۹ ۱۰ ۱۲

اضافه عدد آیه مناسب مدعا نموده بطریق عدد زدن مربع شمار نموده در ظاهر

دائرهٔ مبارکه ثبت نمایند مثل اینکه ادمن کان میتا فاحییناه

۱۶۵ ۴۵۱ ۷۱ ۹۲

۲۴ جعل ۲۰ با قی اهـ

۲۲۹۹ ۲۲۹۶ ۱۲۴۸

وسع ضابط بر کلی مربع آن است که هر اسم و هر آیه که

۶۲۴

۱۶۰۵

۷۸۴

اول بحب ب ابجد جمل کبیر حساب نمایند و مجموع آن عدد را وفق نوشتن خواهند یکی
از آن کسر بند و از مجموع طرح کنند و باقی را چهار قسمت کنند و در خانه اول
ابتدا درج کنند دهند در هر خانه یکی اضافه نمایند تا خانه شانزدهم و اگر کسر
باقی ماند اگر یکی باشد در خانه سیزدهم یکی زیاد کنند و اگر دو باقی ماند در خانه نهم
یکی اضافه نمایند و اگر سه باشد در خانه پنجم یکی اضافه نمایند و اگر خواهند
که در سیر دور زیاد کنند اول در وقت طرح نمودن شصت عدد طرح
نمایند و باقی را بطریق سابق ربع کرده بطریق طبیعی با خانه بعد معقود
دور را تمام نمایند مثال اول ۴۵ شصت طرح باقی پانزده ربع سه کسر
سه در خانه پنجم یکی زیاد کنند و از ۴۴ کسر دو میماند در خانه نهم یکی اضافه
و از ۴۳ کسر یکی میماند در خانه سیزدهم یکی اضافه کنند مثال دوم که
که شصت طرح کنند هفتاد و پنج ۷۵ شصت طرح باقی میماند پانزده ربع
سه کسر سه باقی بهمان ضابطه است و در مثلثات طرح دوازده و باقی را
ثلث کرده در خانه اول درج کنند و بطریق طبیعی سیر دهم کسر هرگاه باشد
یکی را در اول دور رسیدیم که خانه هفتم است یکی اضافه نمایند و اگر دو باشد در
در خانه چهارم رجال اناث را بطریق طبیعی سیر میکنند و رجال اناث را
بعکس درج میکنند بعضی بعکس طبیعی رفتار میکنند و نحو هوافق مطلوب
از جمله لوازمات عظیمه است از اول جمله براین مطلب و مقصود
موافق خود بگذر باید

۱۲ ذی

آبی بی ۱

۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲
۹	۶	۳	۱۶
۴	۱۵	۱۰	۵

خا خاکی دی

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹	۱۶	۳
۱۵	۴	۵	۱۰

اث آتشی سی ۲

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳		۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

۱۶

ب ۱ بادی دی

۱۴	۸	۱	۱۱
۲	۱۳	۱۲	۷
۱۶	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱۰	۴

جهت گریختن موش از خانه الْقَوِیّ الْوَاحِد را با یکدیگر
امتزاج دهد با نظر بنی د ق ا ح ی د و در کاغذ سربسته
کند و در خانه پنهان کند موش از آن خانه بگریزد اگر کسی الواحد را
در وقت غروب آفتاب بحروف مقطعه بر پوست شیر نویسد
و با خود نگاه دارد حیوان از او بگریزد اگر شیر زنی کم شده الشفیع را
بر ظرف چینی نویسد و به آب باران که بر آن دعا خوانده باشند
بشوید و بآن زن دهد شیر او زیاده شود ختم [illegible] کسی در یک هفته
هر روز سه مرتبه بخواند که مجموع یازده مرتبه شود و بعد از اتمام
سوره یا من تحمل بدعمل المکاره را تا آخر بخواند [illegible]

از جهت تسخیر قلوب و احضار ناس از جملهٔ مجربات است طریقه‌اش آن است
که اول نیت تسخیر یا احضار کند و سورهٔ الرحمن را بدین ترتیب که از شارع
نقل شده بخواند و طریقه ترتیبش آن است که اول سورهٔ الرحمن را تا آخر بخواند
و بعد از آن از اول سوره گرفته هشت آیه شمرده واگذاشته و از آیهٔ نهم گرفته
تا آخر بخواند بعد از آن دهم را شمرده از یازدهم دوازدهم خواند تا آخر سوره بدین
ترتیب باید خواند اما از هر آیه که میخواند باید که سوره را تمام کرد و بعد از آن
این دعا را تا ناصیته لی سه مرتبه باید بخواند بعد از آن باید گفت
یا رب بحرمت این سورهٔ مبارکهٔ الرحمن که فلان را مسخر من گردان
و بعد از اتمام عمل این آیات را بخواند که بسم الله الرحمن الرحیم و کفی بالله
تا آخر دعا که بعد از اتمام سورهٔ الرحمن باید خواند این است بروایتی
این دعا را سه مرتبه باید خواند اللّهمّ یا مُقلّبَ القلوب قلّب
قلب فلانه بنت فلان اگر زن باشد و اگر مرد باشد فلان ابن فلان و قلب
عینیه و سمعَهُ و قلبَهُ و ناصیتَهُ الیّ اما آیات این است بسم الله
الرحمن الرحیم وَ کفی بالله وَلیّاً وَ کفی بالله نصیراً وَ کفی بالله
حسیباً وَ کفی بالله هادیاً و نصیراً وَ کفی به بذنوب عباده
خبیراً بصیراً وَ کفی الله المؤمنین القتال وَ کانَ الله قویّاً عزیزاً
یا ارحم الراحمین مرت للموت چون خواهی که بدانی بیمار به میشود یا نه نام او
و نام مادرش را با حساب جمل کبیر بشمار روزها را که خوابیده است در اعداد افزا
و اگر نه تا چند روز است که خفته است چهل روز جمع کن و بعد از آن سی سی طرح کن
هر چه بماند بنگر که در کدام برج است اگر در برج زندگان باشد شفا یابد والله

٩٦

در روح ممات یافت شود ببرد

حصنة الحیوة		
۲۱	۱۰	۲۰
۱۸	۲	۳۰
۱۴	۲۸	۲۵
۰۹	۱۱	۵
۶	۲۴	۱۲

حصنة للمات		
۱	۱۶	۱۵
۱۴	۸	۳
۲۲	۲۹	۲۲
۲۶	۱۹	۱۲
۲	۱۳	۲۳

منقول است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام این بیت سی حرف است و در هر ماهی سی روز
است از آن وقت که ماه برآید هر روز را با نقطه نشانه ساعتی در آن روز نیک است و اگر
یک نقطه داشته باشد پیا نه است و اگر دو نقطه داشته ساعت بد است و این جمله
مجربات دانند محبتک فی محل تکیف فقل تعوذ لیالی لطل الا مل

این شکل را و شداد ابن عون یکجا بنویسد مجرب دانسته اند و طریقه اش
آن است که بنویسد و در زیر نگین انگشتر کند و قدرت شداد و اث همه کند شکل این است



و دیگر مجرب است که عدد کبیر اصابع یعنی بالای اسم الله یا
یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم دعا باید اصابع پیررا
بدین اسماء یا سمیع یا بصیر یا حلیم یا ودود
یا مستغاث کهیعص
و شیخ پیری گوید به حمعسق در انگشت گرفته و حاجت دارد
است مسموع شده که مجرب است یا حی حین لا حی فی دیمومة
ملکه و بقائه صم بکم عمی فهم لا ینطقون را بر کاغذ بنوشته
بموم گیرد و هنگام طلب حاجت زیر زبان نگاه دارد و انشاء الله روا شود

در نقل شده که هر که از سوره جاثیه آیه واذا تتلی علیهم آیاتنا بینات ما
کان حجتهم الا ان قالوا ائتوا بآبائنا ان کنتم صادقین
جهت نقض بیاور و زنجیر و هر که دهم با سیر جهل یک مرتبه سوره نبت یا را ای بحیی
و این مثلث در شیشه کن و در خانه دشمن انداز چون آن شیشه بشکند هر که در آن
خانه باشد از هم جدا شوند و اگر این را بجهت عداوت بکسی بخورانند تا زنده
باشد باهم سخن نگویند مثلث اینست



اگر کسی از خانه یا دکان چیزی ببرد
این اسم را بر یک دانه نخود بنویسد
و بر بالا آن نشانه یا در میان آن نشانه
بیاویزد و یا پنهان کند دزد
بانجا راه نیابد اینست
اسم مذکور بشاهلش عقد الشان بیاره ۲۰ دانه گندم و هر دانه
سه مرتبه سوره الم نشرح را بخواند هر سه را ده بگردد و نیت خفی کند
باسم فلان ابن فلان با فلان وقت که مجرب است از حضرت علی ابن
ابی طالب عم در کتاب خافیه آورده اند که هر کسی این آیه را که صفت کلمه است
و اول آن واو است و آخر آن میم از سوره انعام وتمت کلمة
ربک صدقا و عدلا لا مبدل لکلماته و هو السمیع العلیم
بحروف مقطعه بنویسد خواص او بسیار است اول آنکه نوشته در پیچید
چنانکه نوشته بر دل باشد به سفیده تخم در موم گیرد و در دهان گیرد
با مطلوب سخن گوید مراد حاصل شود اگر برادر و فرزند او را گشته باشد
و در عقد ایمان نیز اثر عظیم دارد اگر شرایط عمل کند و اگر کسی را نعمت

اگر این آیه را بر پوست آهو بنویسد و بر فوطه بپیچد و بر بازو ببندد اسباب

حصول رزق به آسانی مهیا شود قل من یرزقکم من السماء والارض الله

در دفع دشمن

تنفقون از سوره یونس چون کسی را دشمن باشد و داند که بحسب شرع قتل او واجب

این را در برابر او هفت مرتبه بخواند در روز اول البته تباه گشته و آن این است

بسم الله الرحمن الرحیم الم تر کیف فعل ربک باصحاب الفیل تا آخر

و بعد بگوید بسم الله الرحمن الرحیم ویل للمطففین الذین اذا اکتالوا

علی الناس یستوفون و اذا کالوهم او وزنوهم یخسرون

اللهم طمه بالبلاء والوباء بحق کهیعص و حمعسق صم بکم عمی

فهم لا یبصرون صم بکم عمی فهم لا یعقلون صم بکم عمی فهم لا یرجعون

اگر خواهی که کسی را از خانه اش آواره کنی که مردم او را در آزار باشند بگیرد

عدد سوره الم تر کیف را و عدد اسم آن شخص را جمع کرده طرح ثانیه ثلث

او را در مثلث نهاده در ساعت زحل در مقام نحسی در زیر سر او دفن نماید

آواره و پریشان شود و سوره الم تر کیف این است ۵۲ ... قوله

ان طلقکن ان یبدله تا اینجا از سوره تحریم در کاسه چوبی بیاید

نظافت بنویسد بنام ایشان و نام مادر ایشان و در سرای زیر دفن کند در آن خانه که

نشسته در میان ایشان مفارقت شود و سوره تا هل اتی علی الانسان

حین من الدهر لم یکن شیئا مذکورا انا خلقنا الانسان

من نطفة امشاج نبتلیه فجعلناه سمیعا بصیرا تا

و زعفران و گلاب بنویسد و بکسی دهد که او را با زنش الفت نباشد تا بخورد و بگوید

کذلک یلقی فلان بمحبة فلان الفت ومحبت باشد ابطال بد و جهد

ابطال بند عقد النوم فضربنا علی آذانهم را ان نوبت هفت مرتبه بر خاک گور

کهنه بخواند بر بالین بیمار ادیزد عقد النوم اگر خواهی که بانه کسی را دمل جب

خانه بیدار نشود بنا ان از هفت گور کهنه خاک برداشته آنرا بر آن بخوان

در خانه بپاشد ان بیمار خواب نمی کند بیدار بشود کیف تکفرون بالله

وکنتم امواتا فاحیاکم ثم یمیتکم ثم یحییکم ثم الیه ترجعون

انکم میت وانهم میتون ثم الیه ترجعون کل نفس ذائقة

الموت فضربنا علی آذانهم فی الکهف سنین عددا ام حسبت

ان اصحاب الکهف والرقیم کانوا من آیاتنا عجبا اندر احاطه

کسی را از نظر خلق بپوشاند و ذلیل کردن او را بمرتبه که هر که او را ببیند

نفرت کند زائیر هر د اسم آنکس را با هر د آیه وجعلنا من بین

ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا بعد از ان طرح کرده در شلث

بنگار و در زیارت کفن مرده بپیچد و پاره استخوان مرده اضافه تا در

آن که او در نی کی آنکس از نظرها بیفتد و در کار خود حیران و سرگردان باشد

جهت آواره کی کسی از جای خود بکرد دندری بشقه و هفت مرتبه بو نه تیل لح

تا تطلیل بخوانند و بگوید الهی [illegible] اصحاب [illegible] مرتبه جو ر

گردی بشتر فلان ابن فلان را از بحی کو [illegible] بشقه را در آتش

اندازد که از ان موضع در رفته جهت آواره کی شخص اسم ان

کعبی ۱

آن شخص را با عدد آیه اذا زلزلت الارض تا اثقالها بر سر هر بره
و بعد از طرح در مثلث بنگارد و در جلد ران شخص دفن کنند در اندک زمانی [illegible]
چنانکه عود شده اند گرد کمر آن مثلث را دور او در زعدد اذا زلزلت تا اثقالها
این است ۵۱۴۹ لکن عامل لازم است که عدد آیه مذکور را خورده
مبادا [illegible] شده باشد و [illegible] هر که خواهد را عدد اظفر باید در بیست
و پنج هزار مرتبه بگوید رب انی مغلوب فانتصر از جهت دفع
درد دندان بر نان بنوشته و بدست صاحب درد دهد که صاحب درد آن
نان را بیک دفعه بخورد ساکت شود کانی کنی بکنی جهت دفع [illegible]
سوره مبارکه یس را در روز جمعه از ابتدا بخوانند تا مبین اول ابتدا از سر
گیرد و بخوانند تا مبین دوم چنانچه هر دفعه که بمبین رسید باز از سر گیرد
تا دفعه هفتم که بتمام رسد بسیار مجرب است جهت دفع سیر [illegible] روز
چهارشنبه آخر ماه با انگشت سیر [illegible] آورده بر بالای سیر [illegible]
کنده [illegible] و دوازده مرتبه سوره اخلاص بخوانند پس سیر را در
دیوار قبله بمیخ بکوبد بنام [illegible] بعد از آنکه سوره اخلاص
را آن میخ خوانده باشد چون آن سیر خشک شود [illegible] ایشان
[illegible] بسم الله
الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک الحمد لله لا اله الا انت
الحنان المنان بدیع السموات والارض یا ذا الجلال

والاکرام الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم یا صبیّ با
باذن الله تعالی اسکن الوف حذر الموت فقال لهم الله
موتوا ولاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

باب اگر خواهی که زن را بسیار بپچی خواری باید اینها را بر کف دست خود بنویسی ... تا عجائب و غرائب ببیند که مجرب است

باب اگر خواهی ... دیگر بنویسی ... در زیر زبان کنند و بگذارد ... از عشق او بیقرار گردد در ساعت پیش تو حاضر گردد والله تعالی اعلم

صح صح صح

ختم زیارت عاشورا در روز شنبه ابتدا هر روز مکرر نموده تا انتهای یوم جمعه که مجموع هفت یوم باشد و باید که هر روز پیش از شروع غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و زیارت مذکوره را بکند طریق اول چهارده روز است به دو طریق از روز جمعه ابتدا باید کرد تا روز پنجشنبه تمام شود اول زیارت ششم می‌خوانند و نماز زیارت مذکوره را بگذارد و بعد از آن زیارت عاشوره را که خوانده انشاءالله حاجت برآورده گردد دعای ... چوب بید را ... این دعا را بنویسد در رشته آب ... کند
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و علی ملة رسول الله
هالك ملك اهلبون یا ... مفتح ... مکل مصحح

اما ما محمه بالله اليوم نختم على افواههم وتكلمنا
ايديهم وتشهد ارجلهم بما كانوا يكسبون بنویسد همه بالای
لنسوس وبادهای همه جنبان در بال بنویسد باد بسیه
وباد نفوه وباد چهار رنگ وباد سرخ وباد سفید وباد سیاه بنویسد ودکه باد
به بشه که بر سر و روی دگر تحت ویبوست دله ودگ واستخوان واندر دل
ودر دل بسم ملادل دین ملادل بدی طرف چوب بنویسد از رشیم راد
بیچند باید حنای رنگ بشد یک طرف چوب در مغرب ویکطرف جوب
در مشرق ودر زیر آب باند در بالای چوب سنگ گذاشته انسک دد
دار بشم او را اثر ده ورکن رحوی ورزند وطفل نگهدارند هر که مهی خواه
فرض وخواه هر مطلب شرعی داشته باشد این دعا را هر روز بکرر بخواند
سبحان الله كما ينبغي لله الحمد لله كما ينبغي لله ولا اله
الا الله كما ينبغي لله والله اكبر كما ينبغي ولا حول ولا قوة
الا بالله وصلى الله على محمد النبي وعلى اهل بيته وجميع
المرسلين والنبيين برضى الله نوع دیگر از کسی را خبر کم
شده باشد یا دزد برده باشند بر نان بنویسد وبدهد بخورد وجواب بدهد جهرا
هبه شراهبه يتجرعه ولا يكاد يسيغه ياتيه الموت
من كل مكان وما هو بميت الذين قال لهم الناس
ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا وقالوا

حسبنا الله و نعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء باب هر که را این آیت را بنویسد هر که تب ولرز داشته باشد تب نه باشد کوزه را در رونق بنویسد در باب باران بشوید و اندک شکر داخل کند سه روز ناشتا بنوشد صحت یابد نوع دیگر اگر خواهی که دزد را پیدا کنی بدان گمان که گمان داری این طلسم را بر نان فطیر با نمک بنویس پاره پاره کن بدان کسی که گمان داری بده که بخورد اگر دزد است در حلقش بماند از گلو فرو نرود و این است

عطوم اعطوم فعولك اما الولوا کسث کسث

نا یلغ فالا فا یلغ ... بر نان فطیر با نمک بنویسد و به دزد بدهد چو بخورد گلویش را بگیرد این است فوسمش لشممین بتطانی خشون

واذا تکلم نهاد و علیت المتاع ... باب اگر گول ... هر یک را ... ۴ در ... اگر ... در کیل بگرداند ... از آن همه ... دفن کند اول این آیت ویسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا و لا امتا اذهب باذن الله ایها الثلول ... این است

حافوق مافوق نافوق فاق یا فوق وافوق لا فوق

بر ... و ... بنویسد یک یک را آتش اندازد باب اگر چون کسی را جن و شیاطین عارض شده باشد قاعده اینکه این نسخه تا ... را ... که ... معروع گیرد بقدرت حق تعالی خوب ... خیال ... معروع گردد ... باید ... معروع تعلیم ... بگوید که باید ... قسم یاد نماید که از ... دیگر ... را در ...

و قسم بعد با من مرتکب نشوید هر که این قسم را تا بد لذا و دست برد شدند هرگاه یکی قسم یاد نکرده اند و قابل نشده آنها هفت اسم را که در جای دیگر قلمی شده است بر کرباس کبود رنگ که تازه باشد نوشته سه دفعه یک یک بر آتش اندازد جن و شیاطین در ساعت بفرمان حق جل و علا هلاک شوند و الله اعلم

نسخه تسخیر را که به پیش گیرند جنیان حاضر شوند مصروع ببندد قسم دهند باید چشمهای مجموع و دو قفا را آتش ده نماید کور نکنند بسم الله

الرحمن الرحیم طبتوما الرحمن بطلسوما الرحیم

حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر

و صلی الله علی محمد و آله اجمعین مصروع باید

اسم جنیان را صدا کند اسما این است سه دفعه تا حاضر شوند جنیان جنهای است

یا ابلیس الجن و یا رؤس الجن تعلوا تعلوا تعلوا یعنی

می آیید آنگاه آمده قسم یاد کردند بعد هرگاه نیامدند قسم نخوردند

آن هفت اسم را بر پارچه کبود کرباس تازه باشد یک یک نوشته را آتش

بسوزاند ان شاء الله تعالی بقدرت حق تعالی جنیان هلاک شوند مصروع از شر

ایشان نجات یابند بی شک این هفت اسم که با آتش اندازد

این است باید چشمهای دو قفا آتش ده باشد کور نکنند حاقوق

ماقوقهنا قوق فاقوق یاقوق واقوق

لاقوق و بعد از کردن اینها سوره قل اوحی را که سوره جن است

حرف بحرف نوشته هیکل سازد در گردن مصروع بیاویزد البته نجات یابد مجرب است باب دعای جنیان و بریان نقل است از شیخ المشایخ المحققین امیر سید علی الهمدانی که هر کسی را از جنیان درد باشد این اسمها را با خود نگاه دارد و اگر بدین دفع نشود به سه پاره کاغذ بنویسد و یک یک در آتش اندازد و از جنیان نجات یابد قطو قطعه ابلیس لاقیس کهفیس وهیس عمسا فیس سافیس مملس رمهیس رمامیس جبرک قطعه حس کرعشاریت قلیناق بها کال المهری فردوش مالخ ملخی هملوخیم باب کودکی که شیر نخورد این دعا را بنویسد و بر گردن کودک بندد بسم الله الرحمن الرحیم وحرمنا علیه المراضع من قبل هل ادلکم علی بیت یکفلونه لکم وهم له ناصحون باب عقد از قبال بیا در رودۀ گوسفند هفت گره بر آن بزند و هر گره که زند باسم آنکس و باسم پدر آنکس در زبان راند هفت بار قل اعوذ برب الفلق بر آن خواند هر گره که زند یکبار بخواند و بعد از آن با آفتاب نهد تا خشک شود بفرمان خدا بسته گردد باب از جهت گم و جن این اسما را بکاغذ حل سه بار بچهار رکن با آواز بلند آب دست نموده بخواند باشد تا بحرمت این اسماء از غیب وجه رسد این است دعای اول از طرف شمال دوم از طرف مشرق سیم از طرف جنوب چهارم از طرف مغرب یا عبید الشبیک یا عبید الحکیم

چند مسئله دیوانه

پیش سگ هرگز دیوانه اندازند هرگاه زهر اگر خورد علامت زخم سگ دیوانه است و اگر خلاف در تلخ
آن نعمت است اول موضع زخم را حجامت نمایند با لته کرده و بعد سیت و آن حرام است تا چهل نوع
و تعمیه با چسبانیدن نمایند که زخم سخت وسیع کند تا به شود مثل پیاز و تره و شیر گاو و جو قدر پنجه در روغن
و سایر حرام سم کال و اگر داغ کنند و در دفع جوف آن با لته نمایند اما بعد از شکر روز نفع بدارد و هم سیب
او مرا است کم و دریغ صورت بر زخم آن جا چو حشیش جاویدان است تا بدست دانه
نظر و آن با برای آب آن و خاک گرم تا که با سرکه و تره و غیره با روغن و دیگر از ایشان زرشک تا هر زمان نیز
سما نفع و آشته است و در ترطیب و تقویه خصوصاً اثر شیخ که گوشه و از طعام و چیز ذال تر شیرین و ماکول
سرد اجتناب فرمود و لیکن نوبت تعال چند سگ دیوانه گزیده و منع ترشیجات اول از آب

در کتاب قاموس المحیط مذکور است که هر که دندان کف سگ بخود دارد سگ بر روی او جست
نکند و تجربه رسیده که هرگاه سگ بر روی کسی حمله آورد آن کس سر انگشتان ابهام دست راست و چپ
بر یکدیگر و هم چنین سر انگشتان بر یکدیگر که شد فرجه که از میان آنها جای مجوف ابراز دهد و هم چنین
مترجم آن سگ شود چون آن هیئات در فرجه و نیست از این کس مشاهده آن سگ کردن از اعتبار
در آن کس منزوم شود اما دفع مضرت سگ از ابن عباس منقول است که هر که آیه لقد جاءکم
رسول من انفسکم بخواند تا آخر سوره توبه بخواند و در حلقه گوسفند ان دمد از سگ محفوظ ماند دعا
دفع درد شکم از حضرت رسالت پناه منقول است که فرمود که هر که بخورد شیر و مقدار عسل و آب گرم ناشتا
و هفت بار فاتحه الکتاب بر آن خوانده باشد شفا یابد نقل است از علی بن ابی طالب که فرمود
که بخورد آب گرم و بگوید یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا رب الارباب یا اله الالهة
یا ملک الملوک یا سید السادات اشفنی بشفائک عن کل داء و سقم فانی
عبدک و ابن عبدک انقلب فی قبضتک دفع [illegible] و از را
بنویسد و آتش نخورد و بر بالای [illegible] بنویسد که شفا یابد [illegible] و نفاس حاملة
من نعلة انه کان حلیما غفورا ودودا اکرنا و ننزل من القرآن ما هو شفاء
و رحمة للمؤمنین [illegible] آخر [illegible] طلوع آفتاب [illegible] بدون

چند بادام نکوید هلاک

در بازوی چپ بمالد بستن و بعد از سه روز کشادن و در آب روان انداختن و چهار شنبه دیگر انگاه

اید این عمل کردن و اگر نیک نشود همان شنبه دیگر باز این عمل نمودن که بستن آن در روز اول

شود و مجرب است الم المص الر المر الر حم حم عسق

حم حم حم حم کهیعص طه طسم طس طسم یس والقرآن الحکیم

ص ق ن ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا

ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا ووضع الکتاب فتری

المجرمین مشفقین مما فیه

حبس البول

بجهت حبس بول کسی اگر بول کسی بند شده باشد این دعا را نوشته بشوید و آب آن بخورد شفا یابد دعا اینست

ح ام لح	ماویله ویل	مح م	د
ح ام لح	ماویله ویل	را آ	لح
قماماوطالا	مرمر ورق	مح	للرس
ساماوطالا	مرمر دو	الطا	لح

بسم الله الرحمن الرحیم

طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی الا تذکرة لمن یخشی تنزیلا ممن خلق الارض والسموات العلی الرحمن علی العرش استوی له ما فی السموات وما فی الارض وما بینهما وما تحت الثری دعا درد پهلو منقول است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرموده که هر گاه فارغ شوی از نماز بنه دست خود را بر موضع درد خود و این آیه بگو افحسبتم انما خلقناکم عبثا وانکم الینا لا ترجعون تا آخر سوره دعا درد سینه این آیه بگویند و بر سینه خود دارند رب اشرح لی صدری ویسر لی امری واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی اسکن ایها الوجع بامر الله تعالی ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

و اگر کسی را الکن و عجز در زبان بهم رسد از او رفع کردن بدعای مذکور منسوب است از حضرت امام محمد باقر نقل است که فرمود بنه دست خود را بر موضع درد و بگو سه مرتبه وما کان لنفس ان تموت الا باذن الله تا آخر بعد از آن هفت بار نزل ان یکون دعا درد

باز النفس

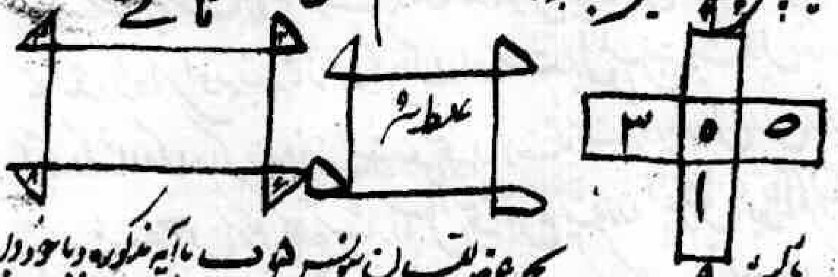
باب البغض پا رخاک پای اندر کس و کس سازد و کل را خاک تشنه پار سخته در دیوار نویس بر قلم و کتب کهیعص و در میان مار المص و بر کس حمعسق و انار را در آب اندازد و گوید حرف بن ۲ ۲ چهل نهک سا آب خورده جدا شوند

باب المتفرق اسمارا نوشته باب سرکه نبویید بعد هر حرف تا کوزه و باد ران جا به نهفت باید محرمت

الذین یفسدون فی الارض ولا یصلحون قالوا انما انت من المسحرین

عقد الرجل علی المرأة برود غنم هفت بار بجا اندر او زند و هر بار که کوزه کند اندرد و در جای تا خشک شود عقد کرود فما اسطاعوا ان یظهروه وما استطاعوا له نقبا

اندرای بعوق سه مرتبه سوره قمر را بر ده دانه جو ول بخوانند و بهیان اسب ان قسم از سوق شوند باب دیگر اسپار محبوب از برای وضع حمل بر سنه پاره سفال آب ننویسند و بنوسید اول را زیر یاری بر ناف و دوم زیر یاری چپ سوم بر پا و بر پا بر ادر که و در سبعا مانده و از وضع حمل فارغ شود خشک نشود اول



بجهة عقد لسان بنویس ۵ ب با آیه مذکوره با خود دارد زبان جمله خلق بسته گردد و دشمنان بافته ببینیت

هذا یوم لا ینطقون ولا یوذن لهم فیعتذرون

۴		۲
۳	۵	۷
٩	۱	۶

بجهة محبت سوره انا انزلنا سه بار بر سه دانه فلفل بخوانند و در میان پا زیر کنار در دود کند و بدیهی آتش دفن کند از سیار دارد و بجهة محبت ۵ ت در زیر یکدیگر بنویسد با آیه مذکوره بر پوست ظبی و کوزه کند بمیه و لبان با خود دارد جهت عظیم دارد ب ب ب ب ب والذین امنوا اشد حبا لله هر که ۵ ث بنویسد بهیت یحبونهم کحب هما ب با خود دارد ما دام که با او باشد نترسد ث ث ث ث ها ها ها ها از نه را از آوازه که مرده نحو بر کسی را آزاده و انزا مغز سر نو کنز بیا در جلید دانه مستسلیه که

اخر ما بلغ ... [illegible]

تحته تحفه الک [illegible] هرکه نه بشتن را بر پاره کاغذ بنویسد و نشه و اضافه که سه واو [illegible]
و در شب لستاره بنهد تا سحر شب پس در میمه دیگاه خود بنهد و برود نزد کسی که [illegible]
[illegible] بسته گردد باذن الله تعالی [illegible] و صم بکم عمی فهم لا [illegible]
عمل [illegible] بنویسد بنام [illegible] یوم یحقول هذا الیوم لا ینطقون
ولا یؤذن لهم فیعتذرون
و هرکه در دست [illegible] کند [illegible]

فتح الحبال

باب [illegible] و باب [illegible] که کشند [illegible]
[illegible] کهیعص [illegible] و بالحق انزلناه و بالحق نزل
و با [illegible] حم حمعسق [illegible] درین [illegible] باب [illegible]
[illegible] و قدری [illegible] باب [illegible] کند [illegible]
و اگر [illegible] قدری [illegible] خود [illegible]
[illegible] در دست [illegible] که هرکس [illegible] کرده [illegible]
[illegible] زمانی که خاک [illegible] باشد [illegible] خاک بیرون
آورد و [illegible] کرده [illegible] آن زن را [illegible]
باشد و هم [illegible] آمیخته همین خاصیت دارد [illegible]
کرده باشد و [illegible] الطریق [illegible] کند و [illegible]
[illegible] میان [illegible] خصوصیت [illegible] که [illegible]
[illegible] میگویند امانت است هرگاه [illegible] برند [illegible] پرسند که [illegible]
[illegible] هرچه میخواهد قبول کند و [illegible] کردن [illegible]
[illegible] و با روغن چرب کرده [illegible] روشن کرده [illegible]
و بگوید [illegible] ما [illegible] هرچه میخواهی میدهم
روح [illegible] بگوید که آن را [illegible]
[illegible] مشغول شود که [illegible] دعا [illegible] اللهم انی اعوذ بک [illegible]

عمل دیگر

طهارتك ودیمکنه جلالك من بلیته وآمنه دعا هفتم حفظ طوارق الجن والانس

الا طارقا یطرق بخیر منها یا الله ۳ مرتبه یا رحمن ۳ مرتبه یا رحیم ۳ مرتبه بعد یا ارحم الراحمین

باب قوه باه رنجبیل با خولنجان و [illegible] جهت تقویت باه از اسرار مجربات سر مه جهت دیدن دفینه

که در زیر زمین است و گنجها اگر چه در زیر سنگ دیگر [illegible] باشد و در خانه بند و بخنید [illegible]

بس و پیر روغن کاو و خود [illegible] بخورند و وی دهد و علفش بیاورید و ظرفی در محاذی دامن و [illegible] تا آن

روغن از علفش فرو چکید در آن ظرف بچکد رهد و آن روغن در زیر کاشه کند و آن [illegible] سر

کند و در چشم کشد دفاین را ببیند سرمه دیگر برای همین عمل بگیرد زبان کلاغ سیاه را و دماغ [illegible] سایه

خشک کند سایه با عسل آمیخته در چشم کشد دفاین بنظرش آید سرمه دیگر جهت دیدن عجایبات بگیرد

زهره گربه سیاه و خون خروس سفید خشک کرده و در چشم کند عجایبات بسیار بنظرش آید

فصل در حرف زدن آنکسی که در خواب است هرگاه بانک خفته را بر روی سینه خفته نهند هرچه

از او بپرسند او در خواب جواب گوید و دیگر آنکه برکف دست خود بمالد و بر سینه خفته نهند هرچه

از او بپرسند جواب دهد انشاء الله اظهار دفینه بگیرد کرکس [illegible] با مرغ [illegible] و بر [illegible] سبز [illegible] کبوتر

این کلمات را بنویسد سحا و بر کعل آن بند و قدری زیبق [illegible] آن بریزد [illegible]

بر بندد و هرجا که دفینه باشد یا چیزی بایستد باب عقد الذکر عن فرج المرئه بیاورد [illegible]

از رسن [illegible] نموده تا بدم سوراخ وا نبند [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم اللهم رب

جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و قیائیل و هیاقیل و مرائیل [illegible] لا ید خل

طرف هذه المسئله نقشها کذا الک لا ید خل ذکر فلان بن فلان [illegible]

بنویسد [illegible] برد [illegible]



و [illegible] زیر [illegible]

بخواند این [illegible]

دفع خون آمدن از دماغ این اسما را [illegible]

خون بایستد مکرر [illegible]

هالع هالع هالع

باب چهارم اگر کسی حاجت شد [illegible] خواهی که بحاجت خود برسد و روا شود بنویسد [illegible]

در بیند که از در رسیدن بمقصد مطلب بعینه خواهد آمد و مکرر تجربه رسیده است و هی هداه

صراط علی حق نمسکه و بحروف مقطع بنویسد خوب است هرگاه [illegible]

جهت [illegible] بنویسد هم بهتر است باب دیگر از برای حصول مطالب مقاصد جهت [illegible]

البته مقصود حاصل شود [illegible] اللهم انی اسئلك بحق روح علی ابن ابی

طالب الذی ما اشرك بالله طرفة عین ابدا ان تنجینی من هذا الغم

باب دیگر اگر [illegible] یا [illegible] در [illegible]

هر صباح [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم انا فتحنا لك فتحا مبینا فدعا ربه انی مغلوب فانتصر ففتحنا

ابواب السماء بماء منهمر و فجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر

قد قدر اذا جاء نصر الله الم نشرح الخ قالت انی اعوذ بالرحمن

منك ان كنت تقیا قال انما انا رسول ربك لاهب لك غلاما

زكیا [illegible] فلان ابن فلان بحق لا اله الا الله محمد رسول الله

علیا ولی الله و بحق م ح م د ع ل ی ف ا ط م ه ح س ن ح س ی ن

و بحق یس و کهیعص و حمعسق و بحق طه و بحق قل هو الله و بحق الم ذلك

الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین [illegible]

٥ اا اا د ااا د ااا ككا

[illegible]

اا اا ٩ د ٩ ا ااا لیضیا [illegible] یا ثابت یا قائم

یا دائم [illegible]

[illegible]

یا حی یا قیوم هم باید نوشت بر زمین بید کوبید بمکس دیگر حرکت نکند باب آنچه مجرب گمرشده است اگر بسم

الله بر آرزو عاها کتابت مطلوب است عمل کنه که بیرونه روز از ماه که گذشته باشه بیضه بخشیه باشه به نویسند این

طلسم و نیک وزعفران اسم مطلوب و مادرش و اسم خود و مادرش و دو بار روی ربت بندد تا چهار

روز هر دو والله در سینه مطلوب دفن کنه از رحمت ادعو گرد دو اگر نیت امکان مطلوب نماید ده دعا باشد

که یک طرفه ایمن به نیک عاقر کنه **محمد علی مسطلیق** باب دیگر اگر خواهی که کسی را از عشق خود بیزار

گردانی باید بر چه سفال آب ندیده و بر بالای آن بر زنگ این آیه سوره بنویسد ذین للناس تا والانعام

فرجسیت ه ع النطیم حسبی الله ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر ... لیحضا

دیده ریایان کیو ۸۸ ۱۱۱ ۸۸ فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم باب دیگر هر صبح ... م

ده مرتبه گوید حاجب ... حضار است و بید لا اله الا الله والله اکبر سبحان الله

والحمد لله استغفر الله لا حول ولا قوة الا بالله هو الاول والاخر والظاهر والباطن له الملک

وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر برای

هر مطلب صد و ده بار هر روز یک مجلس گوید بی شک حاجتش روا است یا امیر المؤمنین یا ذا الکرم

یا امام المتقین یا ذا النعم انا اتیناک فی حاجاتنا لا تخیبنا فقل

فیها نعم نزد ملاقات دشمن ده مرتبه الله اکبر بگوید پس نوزده مرتبه بخواند این آیه سوره یس و نوح حتیم

دل او اول بسم الله تا آخر و به قدر حی قیوم حکیم عدل فاغشیناهم فهم لا یبصرون

همه ادعی و رقعی در کیسه از هر طرف باشد [illegible] بخواند این نقش را تعویذ نماید این را

هر روز صد بار بگوید اللهم انی ضعیف فقونی اللهم انی

۹	۱۱۱	۰	۹۵۳
۹	۲	۱۱۱	۲۵۱

ذلیل فاعزنی اللهم انی فقیر فاغننی برحمتک یا ارحم الراحمین

سید ابن طاوس از عبید ابن زراره روایت کرده است که مردی [illegible] حضرت صادق آمد و از

دست شکایت نمود که هر چند ... شهرها میکردم [illegible] نزد میکرد در حضرت حضور

که چون از نماز عصر فارغ شوی با تأنی این دعا را بخوان راوی گفت خواندم [illegible]

شد و مال بسیار هم رسانیدم اللهم انه لیس لی علم بموضع رزقی وانما

الطلبة خطرات تخطر على قلبي فجولة في طلب البلدان وأنا فيما أنا

طالب كالحيران لا أدري أفي سهل أم هو في جبل أم في أرض أم

في سماء أم في بر أم في بحر وعلى يدي من ومن قبل من وقد علمت أن علمه

عندك وأسبابه بيدك وأنت الذي تقسمه بلطفك وتسببه برحمتك

اللهم فصل على محمد وآل محمد واجعل يا رب رزقك لي واسعا ومطلبه

سهلا ومأخذه قريبا ولا تعنني بطلب ما لم تقدر لي فيه رزقا فإنك

غني عن عذابي وأنا فقير إلى رحمتك فصل على محمد وآله وجد على عبدك

بفضلك إنك ذو فضل عظيم باب زهود جا جد السجده سوره [illegible] نحیک بود

بر او [illegible] کنند بر قضیب انگشت شهوت که [illegible] فاعل مفعول را تمام شد

هر کس [illegible] بداد یا رزاق را در چهار گوشه خانه بگوید در هر گوشه ده بار رشد از هر طرف [illegible]

نماید بر سنگ از [illegible] تر و برکت فی کتاب بد صد او عالم روزی او را فراخ کرد هر کس خواهد

که حاجت او به پیش [illegible] روا باشد این آیه [illegible] دست راست خود گو

و پیشانی را بر [illegible] و چون [illegible] بخواهد حاجت خود را بگوید

ساعت مقصود [illegible] این است ویل لکل أفاك أثيم يسمع آيات الله

تتلى عليه ثم يصر مستكبرا كأن لم يسمعها فبشره بعذاب أليم [illegible]

و اما اگر [illegible] بنویسد [illegible] ساعت [illegible] نگشد و اگر [illegible]

بشوید [illegible] و ساکت گردد و اگر [illegible] طیبات بنویسد و با خود دارد از ظالم و یا حاکم [illegible]

زبان او بسته گردد [illegible] باید [illegible] محفوظ [illegible]

بگوید هر کس [illegible] لا يحب الله الجهر بالسوء في

القول إلا من ظلم وكان الله سميعا عليما باب اگر خواهی که خانه [illegible]

این آیه [illegible] آب [illegible]

فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسواها ولا يخاف عقباها باب اگر خواهی

[illegible]

که حفظه باشد از خواب بیدار نشود از زیر قبر باشد خاک بر دارد و با هم آمیزد

و ... سا امراة بخورد بر ان خاک بدهد هر آدم حفظه باشد البته بیدار نشود این آیت

الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم و هم الوف حذر الموت

فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم نصر من الله و فتح قریب

و بشر المؤمنین براءة من الله و رسوله الی الذین عاهدتم من

المشرکین اگر کسی ... بابل ... در پیش نهد ... اگر کسی را ... از

در زیر بالین شخصی که خفته باشد بگذارد ... در خواب سخن گوید هر کس ... خشک

که ... بدو ... دختر ... اگر ... بکارت ... بکارت اگر ...

دختری ... بکارت ندارد اگر کسی ... داشته باشد هر صباح ... بخورد

... بخورد در ... شود اگر ... در روی ... خلاق ...

... هر که ... بخورد ... شود و هر که ...

با ... غرغره کند ... کناده ... صاف شود از برای ...

سر هر که ... باشد ... در ... همان ساعت ... علاج ...

دندان ... صدف ... و تخم سفیدان ... درم ... بکوبد ... دندان

مالد سفید شود اگر کسی قضیب ... ممزوج کرده که بمالد ... بهر جا

بمالد ... را دراز ... زن را دراز ... اگر ...

و تخم شبت و ... عود خام ... مصطکی ... درم بکوبد ...

... بلغم ... دهن را خوش ... باز دارد ...

... و بادهای ... قوه ...

اسرار ... اگر ... قدم ... عرب ... آلات ... بخورد

اگر ... کشنیز تازه ... بمالد ...

بسعفد و از آنجمله اگر [illegible] را بروغن زنبق بیالاید و در شب [illegible] نزد [illegible]

[illegible] مویش شود و از آنجمله اگر زاغ [illegible] با نفط آمیخته [illegible] نهاده بر فروزند روی همه

جا سیاه گردد و از آنجمله در جای [illegible] کنند [illegible] سنگ [illegible]

در قفص آید [illegible] که [illegible] اگر [illegible] ملخ [illegible]

تا بمیرد آنگاه در [illegible] نهاده تا بسوزد [illegible] اگر زهره [illegible]

آب [illegible] هر جا [illegible] موی بر نیاید اگر [illegible] خون آید [illegible]

خود [illegible] مطلع [illegible] از آنجمله [illegible]

کند حرکت [illegible] گوشت آید از آنجمله اگر قدری [illegible] آب بندد در کوزه آب [illegible]

آن کوزه [illegible] آب [illegible]

در وقت وضع حمل بچه زود بیرون آید هر آینه هم مرده باشد اگر بچه [illegible]

از [illegible] متولد شده باشد و [illegible]

و در میان [illegible] قدری [illegible] آن [illegible] گرم گردد [illegible]

[illegible] و آب [illegible] از جمله عجایب [illegible]

سیاه [illegible] شبنم [illegible]

[illegible] شبنم [illegible]

و آمده [illegible] متواضع [illegible]

[illegible] زهره زاغ سیاه [illegible]

بچکانند مویش هرگز سفید نشود باب دیگر از [illegible] که کسی

با کسی دشمنی باشد و حاجتی داشته باشد این دعا را بر [illegible] بنویسد [illegible]

شروع [illegible] مطلب حاصل شود بسم الله

الرحمن الرحیم ان الله وعد الصابرین مخرج مما یکرهون والرزق من حیث

لا یحتسبون وجعلنا الله وایاکم من الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون

یا علی یا علی ف ح ح [illegible] چشم زخم اگر [illegible] بنویسد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

انفجمت محجمت جلعت انفلقت انفلعلت انزلت کذالک

عین العین در وقت کشتن تخم مرغ بگوید بسم الله و الله اکبر و علی الله

و اسم لعین ... بنویسد ... الق ... تا فلوس تخم مرغ بر زمین

زند همان حکم دارد که ازین بهتر است چون از تیز باید قطع شود این سوخته

بریزد او قطع شود طب طب مطب طب طب مطب ماب

از برای دفع مور ... این کلمات ... بر کاسه آب ...

... باید ... شود ک ک ک ک ع ع

ع ع د د د د م م م م ۱۱۱۱ ح ح ح ح ...

لام ... هر که ... را بنویسد بر کاه ... بند ...

با ... آب ...

و یا در جای نمناک دفن کند ... بسم الله الرحمن الرحیم یسئلونک عن

الساعة ایان مرسیها فیم انت من ذکریها الی ربک منتهیها و لا

حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم ...

بنویسد دفن کند در زیر زمین اول و السماء بنیناها باید و انا لموسعون

دوم و الارض فرشناها فنعم الماهدون سیم و من کل

شیء خلقنا زوجین لعلکم تذکرون ... هر روز ... را

بنویسد جمهرات جمهروت جمهارودت ...

بنویسد هر روز ... بسم الله الرحمن الرحیم

...

بسم الله الرحمن الرحیم ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

جهت چشم زخم

محمد ... هفت مرتبه بر خاک گور کهنه بخوانند و در خانه اش بپاشند کل

من علیها فان جهت چشم زخم نوشته بر تخم مرغ بر سه آتش زنند و در چمن [illegible]

هفت مرتبه قل هو الله بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم

فجعب ... که درد ... بنویسند و در جیب گذارد و در [illegible]

انجعب ... بر بندد و جنگ را بر باد نماید ... [illegible]

فجعب ... افرایت من اتخذ الهه

انجعب ... هواه واضله الله علی علم وختم علی سمعه

مجعمت ... وقلبه علی قلبه فان تولوا فقل حسبی الله

انجعمت ... لا اله الا هو علیه توکلت وهو

کذالک ... رب العرش العظیم له له له له

المعس ... له له له له ک ک ک ک ک

ک ک ک ک ک هر کس این اسم را بر کاسه زانو ... ببندد اگر [illegible]

راه ... بر ... نتوان ... طیما مثل البغض ... [illegible]

... و این آیه را بر روی ... بنویسد و در آب ... و نام ... در حال

... ولو نشاء لمسخناهم علی مکانتهم ولا الی اهلهم یرجعون

البغض فلان ابن فلان وعقد الرجال سوره ... مرتبه و ...

... مرتبه ... زن ... بگوید ...

... که زن ... مردی ... اگر خواهی زنی را ببندی که هیچ مرد

... روی ... بنویسد و در ... کهنه دفن نماید

تا ... بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الشافی بسم الله الکافی

بسم الله المعافی بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی

الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم ...

... که سوره فاتحة الکتاب ... چهل روز ... مرتبه بخواند اگر یک روز ... چهل روز

خوانده نشود باز از سر گیرد و بعد از آن هر روز یک مرتبه خوانده باشد این دعا [illegible]

بزده نوبت گوید یا مفتح فتح یا مفرج فرج یا مسبب سبب یا میسر تیسیر

یا مسهل سهل یا متمم تمم [illegible] روی دهد که از جنب [illegible] اگر خواهی

رقعه بکار ببر بنویسد که آن مطلب [illegible] ازده نوبت کل الله [illegible]

لا شریک له الا هو اگر خواهی [illegible] بنویس این آیات [illegible]

وکلذب [illegible] بنام [illegible] مطلوب و هزار نوبت گوید یا خالق من فی السموات

والارض وکل معاذه الیه نوع دیگر از جهه مطلب [illegible] روزی هزار مرتبه باید خواند

مجرب است [شنبه] یا هو یا الله [یکشنبه] یا رحمن یا رحیم [دوشنبه] یا واحد یا احد [سه‌شنبه] یا صمد یا فرد

[چهارشنبه] یا حی یا قیوم [پنجشنبه] یا حنان یا منان [جمعه] یا ذا الجلال والاکرام

نوع دیگر اگر خواهی [illegible] را هلاک کند صورت او را بسازد از گل سفید و این آیه

در روی صورت نقش کند و نام آن شخص [illegible] در پشت آن صورت بنویسد و این عمل در [illegible]

باشد در آخر روز که قمر در محاق باشد و خنجری بدست گیرد و در آن نویسد فاذا لقیتم

الذین کفروا فضرب الرقاب پس آن خنجر را بر آن صورت بزند و در آن موضع که نام

آن نوشته بود بگوید یا ملائکة الله افعلوا کذا وکذا او [illegible] خواهد نام برد [illegible]

[illegible] باید نوشت واتل علیهم نبا ابنی آدم بالحق اذ قربا

قربانا فتقبل من احدهما ولم یتقبل من الآخر قال لاقتلنک قال انما

یتقبل الله من المتقین لئن بسطت الی یدک لتقتلنی ما انا بباسط یدی الیک

لاقتلک انی اخاف الله رب العالمین انی ارید ان تبوء باثمی واثمک

فتکون من اصحاب النار وذلک جزاء الظالمین فطوعت له نفسه

قتل اخیه فقتله فاصبح من الخاسرین [illegible] یا منتقم

نوع دیگر هر یوم چهار صد مرتبه بگویند یا دافع یا جبار یا صانع یا قهار

بجهة حضار این اسم را چشم گشاده بنویسند بگشایند و بر طرف خانه مطلوب بدارند باید حرف

بچسبانند و سوره یس را بگویند و میخ را در خشم میم در میان خوانی بزنند و مطلوب حاضر گردد

هرگاه آمد خوب اگر نیامد میخ را کنده در میان عین بشکل میم زنند و میخ حرف سین باید

بطریق مذکور هرگاه آمد خوب والا میخ را کنده در میان عین بشکل عین بزنند و یس

بگویند البته بیاید و آن اسم این است یا سبحان

و در وقت خواندن یس بکلمه مبین که رسند بگوید که مطلوب ... این نوع حاضر

... العجل العجل الساعة الساعة

اگر خواهد در میان دو کس مهر و محبت باشد باید که جوال خوب رفته در دو خط بکشند

و میخ و سنگ در آتش حاضر داشته باشد و سوره یس را هفت مرتبه بگویند و در ختم

میخ مزبور را و در قبل از یا در زمین قدری فرو برد تا ختم هفتم تمام میخ مزبور را با تمام مقداری

فرو برد و هر نوبت که میخ را بکوبد بگوید ... از جمیع ... که در

هم رسند و را و خط بکش و این آیه را در میان خط بنویس فاصابها اعصار

فیه نار فاحترقت لیعا بگو هزار ... سنگ از دیواری که رو بقبله باشد

که بر یکدیگر صلوات بنوشته و در روز آدینه هزار بار بگو اللهم بر آن سنگ ها بخواند

و در آتش افکن هر که سوره القارعه را هفت بار بگویند بنام غایب و در سنگ

و در جامه ... زند و با خود دارد در وقتی بیاید اگر نیاید آن سنگ را در آتش اندازد

عزم وطن کند ختم سوره قل هو الله احد هر که در شب این سوره را بر ... بگوید

بگوید هر کس ... گرد و یکشنبه دوازده مرتبه بگوید بار کف دست ... و بر رود

... محتاج نگردد در روز دوشنبه بنویسد بشکند و عشر ... در قدح سیاه بگوید شفا یابد

بنویسد با خود دارد ... خفی ... روی ... در سه شنبه ... بگویند ...

هر که ... در روز جمعه ... بگویند ...

... نماید

گوید نقل یابد اگر خواهی پسر از زنان خود آورد که در رشته بنفش ریزه سینا گویلا توم

و بر بام خانه آن کس اندازد بسم الله الرحمن الرحیم ولو نشاء لطمسنا الخ الایه ولو نشاء لمسخنا

الخ از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس در روز پنجشنبه چهار رکعت نماز بگذارد بیک سلام

و در رکعت اول بعد از حمد سوره اخلاص یازده مرتبه و در رکعت دوم بعد از حمد سوره اخلاص بیست و دو مرتبه

و در رکعت سیوم بعد از حمد سی و سه مرتبه و در چهارم چهل و چهار مرتبه بعد از سلام پنجاه و پنج مرتبه صلوات

بر پیغمبر بگذارد و یا الله صد مرتبه و دعا کند هر چه خواهد البته آن حاجت بر آورده شود جعفر از موسی

این نماز را مجرب یافته‌ایم که آواره که بچهار میخ بنویسد در خانه آن شخص دفن کند

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

از جهة بغض و عداوت این مثلث را بنویسد و در خانه کسی دفن کند اثر آن

بنویسد جهت بغض و عداوت از کسی آب بدهد و در خانه

نشانت دفن کند اثر آنست

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

باب دیگر هر که سه روز

هر روز سه نوبت این دعا را

بگوید و بر خانه ... ...

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

و برایت ان اجعل و ... بسم الله الرحمن الرحیم

یا الله یا الله یا الله یا رب یا رب یا ذو الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین

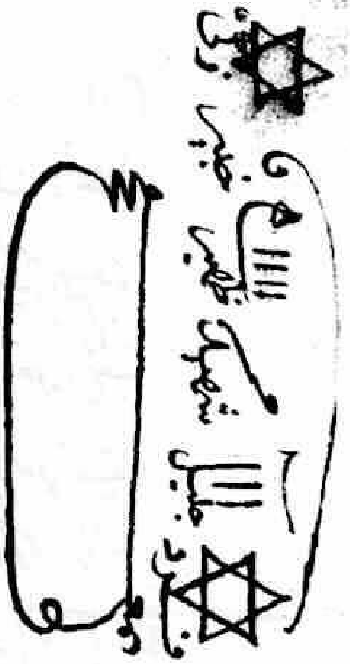
یا قیوم نسئلك باسمك العظیم ان ترزقنی رزقا واسعا حلالا طیبا

برحمتك یا ارحم الراحمین چهار آواره که بنویسد که گویند دفن کن انا نحن نحیی

الموتی ونکتب ما قدموا وآثارهم وکل شیء احصیناه فی امام مبین

وما علینا الا البلاغ المبین انی اذا لفی ضلال مبین واذا قیل لهم انفقوا

مما رزقکم الله قال الذین کفروا للذین آمنوا انطعم من لو یشاء الله اطعمه



ان نتم الا فی ضلال مبین چه آوازه که ... اذا زلزلت الارض بسو

وسوره الم ترکیف سو مقطع الحروف بنویسد و در مقام ... نکس دفن کند و اگر حروف

او را در اول تقدیم کند رفع ... نماید با مثلث ... دعای ... در ... ل

که زر و ... داده بگورد با نام ... مادر ... شخص ... بگورد

بسته کرده ... و دعای سوره ... عدد ...

زر آورده بر ... رسیده ... سوره

بتكلمون	فهم لا	عمى	صم بكم
عمى	صم بكم	بتكلمون	فهم لا
صم بكم	عمى	فهم لا	بتكلمون
فهم لا	بتكلمون	صم بكم	عمى

حتی اذا اتوا علی

واد النمل قالت نملة

یا ایها النمل ادخلوا مساکنکم

لا یحطمنکم سلیمان

وجنوده وهم لا یشعرون

... دعای ... مجرب ... در ... خود نگاه دارد صاحب ... دعا ...

الرحيم ٢٠١ بي	الرحمن ١٠٨ بي	الله ح ١٠ بي	بسم سا ١٠ بي
بسم سا ١٠ بي	الله ح ١٠ بي	الرحمن ١٠٨ بي	الرحيم ٢٠٤ بي
الرحمن ١٠٨ بي	الرحيم ٢٠ بي	بسم سا ١٠ بي	الله ح ١٠ بي
الله ح ١٠ بي	بسم سا ١٠ بي	الرحيم سا ١٠ بي	الرحمن ١٠٨ بي

بکردن ... که ... باشد ... و این ... باشد ... سوره تبت ... که مذکور ... نوشته ... عقد ... لهب ...

ان بت تبت یدا ابی لهب وتب ما اغنی عنه ماله وما کسب

سیصلی نارا ذات لهب احرقت قلب ... لا یکون صبرا

ولا قرارًا ولا اكل ولا شرب ولا نیام علی محبة فلان ابن فلان بحق

وامرأته حمالة الحطب فی جیدها حبل من مسد اگر خواهی که دل کسی را

اندازی از خاک قدم هر که ام قدری بردار و سوره والعادیات بر آن خاک بخوان

باسم او و کسی دراب اندازد جدای افتد ما بین سوره لم یکن

هفتاد نوبت ...

دفع تب و لرزه در وقت ...

آهن ... اول زده خوب شود و اگر دفع نشود ...

زده بی شک دفع شود ... قال الشیخ احمد البونی

فی شمس المعارف لصورة لا اله الا الله محمد رسول الله علیا ولی الله

فی کل یوم ولیلة اربع وعشرین الف مرة الی مدة خمسة عشرة یوما ...

فی خلوة ... الحیوانات ...

دنیا را ...

فی ... شب جمعه میان ...

بگوید ...

و بعد باز ... بگوید که مجموع چهارصد صد باشد ... این است

یا مولائی یا فاطمة اغیثینی طریقه ختم چهار ضرب از ختم مجربات است

هر کس ... آورده است ...

که ... هفته ... روز ...

...

بگوید ... رکعت نماز حاجت بگذارد

و بعد ... سجده ... بگوید یا ...

الغافی
و در مسجد اسند بمحافظ کجا بند اللهم ذلل صعوبتها واکفنی شرها فانک الکافی
الغالب القاهر و بعد بر بردارد شروع کند کو انسل چهار ضرب سطر بقرکه قسم کرده است
اللهم العن عمر ثم ابابکر و عمر ثم عثمان و عمر ثم عمر ثم عمر ثم عمر تقدم
آیه الکرسی هیجده یک روز هر روز وقت طلوع آفتاب چهل یکبار و وقت غروب
چهل و یکبار بخواند برای رفع مهمات و حاجتها مجربست هر ز ناگزیر بش کم باشد
این دعا را با خود بردارد و ان من الحجارة لما یتفجر منه الانهار وان منها
لما یهبط من خشیة الله وما الله بغافل عما تعملون هرگاه در خطر در
این کلمات را بگو یا رب انت تعلم حاجتی وانت قادر علی فرجی و خلصنی
من هذه الورطة یا رجائی بحق محمد وآله نوع سی دل مرد بسته برسر نا محرم
کند بنویسد بخورد اول حتی اذا رکبا فی السفینة خرقها و بر دلیم بنویسد
اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما
وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و بر سیم نویسد فاستغلظ
فاستوی اول را بخورد و النغمه دوم را بخورد و آن سیم را بخورد اگر خواهد
طبیح عقد کرد و این آیات بنویسد بمشک و زعفران و کهرب و بشوید بزن
بهد و روز بر بازو بندد و تا بی قرار و بی آرام باشد از زیره شهوت و من الناس
من یتخذ من دون الله اندادا یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله ولو یری الذین
ظلموا اذ یرون العذاب ان القوة لله جمیعا و ان الله شدید العقاب فسیکفیکهم الله
وهو السمیع العلیم الحکیم الدوحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم ایاک نعبد و ایاک
نستعین اللهم الف بین قلوب فلان ابن فلان کما الفت بین آدم و حوا و یوسف
علیه السلام و امراة العزیز تراود فتیها عن نفسه قد شغفها حبا انا لنریها
بجهت برآمدن حاجات هفت روز هر روز هفت نوبت سوره الم نشرح بگوید
وف زند بگوید در عقب هر نماز مجرب است اگر خواهد

باب بیست و هشتم در دفع اقسام [illegible] و در این باب چند فصل است **فصل اول** در دفع تب از حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که حضرت رسول صلعم را تب گرفت جبرئیل نازل شد و این

افسون را برای او خواند [illegible] بسم الله ارقیک بسم الله اشفیک

بسم الله من کل داء یعنیک بسم الله والله شافیک بسم الله خذها

فلتهنیک بسم الله الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرأن باذن الله تعالی

و از حضرت امام رضا منقول است که این تعویذ را [illegible] برای [illegible] بنویسد [illegible] تعالی

شفا یابد بحول و قوه خود [illegible] بسم الله [illegible] لا اله الا الله [illegible] ملک الملوک جبار

السموات والارض اشفنی وعافنی [illegible] عبدک وابن عبدک اتقلب فی قبضتک [illegible] ایضاً

در حدیث آمده که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و شکوه کرد از تب حضرت فرمود که [illegible]

و آنچه [illegible] [illegible] آوردم [illegible] حضرت فرمود که [illegible] [illegible]

پیراهن داخل کن و اذان و اقامت بگو و هفت مرتبه سوره حمد و توحید و معوذتین را بخوان آن شخص

گفت چنین کردم گویا از بندی رها شدم [illegible] و در روایتی دیگر آمده که [illegible] [illegible]

که اذان و اقامت بگوید و سوره حمد و توحید و معوذتین را بخواند و بگوید اعیذ نفسی بعزة الله

وعظمة الله وسلطان الله وبجلال الله وبجمیع اسماء الله وبرسول الله وعترته صلی الله علیه وآله [illegible]

[illegible] واشهد ان الله علی کل شیء قدیر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]

اللهم اشفنی بشفائک [illegible] و در حدیث دیگر فرموده که سوره حمد و معوذتین را

و توحید و قدر و آیة الکرسی را بخوان و [illegible] اللهم ارحم جلدی الرقیق وعظمی الدقیق

من شدة الحریق یا ام ملدم ان کنت آمنت بالله [illegible] فلا تأکلی اللحم ولا تشربی الدم ولا تفوری من الفم

دعای تب

ولا تفضلی العظم ولا تقصد عرقا ولا تمس اللحم ولا تطلع علی فلان ابن فلانه نام مریض و مادرش بنویسد الحمد لله [illegible]
الها آخر لا اله الا الله تعالی [illegible] علوا کبیرا ایضا حرز حضرت فاطمه علیها السلام که سلمان فارسی [illegible]
تعلیم فرمود و گفت [illegible] صلوات [illegible] آموخت و فرمود که اگر خواهی در دنیا [illegible] از تب [illegible]
مواظبت نمائی و سلمان گفت [illegible] که [illegible] زیاده از هزار نفر تعلیم کردم و همه تب داشتند و ببرکت [illegible]
نجات یافتند حرز این است [illegible] بسم الله النور بسم الله نور النور بسم الله نور علی نور بسم الله الذی هو
الله مدبر الامور بسم الله الذی خلق النور من النور الحمد لله الذی خلق النور من النور و انزل النور علی الطور فی کتاب مسطور
فی رق منشور بقدر مقدور علی نبی محبور الحمد لله الذی هو بالعز مذکور و بالفخر مشهور و علی السراء و الضراء مشکور و صلی الله علی محمد

تجربه برای تب [illegible] قطعه کاغذ بنویسند

و آله الطاهرین ایضا [illegible] حضرت امام رضا علیه السلام [illegible] نوشته [illegible] تجربه بر سه قطعه کاغذ بنویسد تب دار
هر روز یک قطعه را [illegible] [illegible] [illegible] هر یک از آن قطعه سوره توحید را خوانده باشد اول

ایضا برای تب

بسم الله [illegible] [illegible] بسم الله [illegible] من القوم الظالمین [illegible] بسم الله [illegible] الخلق والامر
تبارک الله رب العالمین ایضا در بعضی از کتب معتبره منقول است که برای تب این تعویذ را بنویسد و بر بازوی [illegible] ببندد
و بعد از بسمله سوره فاتحة الکتاب [illegible] [illegible] [illegible] بسم الله [illegible] اعوذ بکلمات الله التامات
[illegible] من [illegible] [illegible] ما خلق و ذرأ و من شر السامة و الهامة و اللامة و من شر
طوارق اللیل و النهار و من شر [illegible] و من شر فسقة الجن و الانس و من شر الشیطان [illegible] و من شر کل
دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم ربنا علیک توکلنا و الیک انبنا و الیک المصیر [illegible] بردا و سلاما علی ابراهیم
و ارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین [illegible] بردا و سلاما علی فلان ابن فلانه ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطأنا
ربنا و لا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا و لا تحملنا ما لا طاقة لنا به و اعف عنا و اغفر لنا
و ارحمنا انت مولانا فانصرنا علی القوم الکافرین [illegible] [illegible]

[illegible]

و بسیح مجرب کفی به نوب حسابی خبیر البصیرا لا اله الا الله هو وحده لا شریک له صدق وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب
وحده ما شاء الله لا قوة الا بالله کتب الله لاغلبن انا و رسلی ان الله قوی عزیز ان حزب الله هم الغالبون

نوعی دیگر

و من یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین نوعی دیگر در مکارم آورده
که بر سه قطعه کاغذ بقلم خرچنگ که نتوان خوانده بنویسد و آنها را به تجدید [illegible] و هر روز ناشتا بخورد
یکی از آنها جمیع ما یرقیسم الله ذی القرنین والکرام [illegible] طریقه دیگر بر سه رقعه بنویسد و هر روز یکی را بخورد
و آل عصمت [illegible] نوعی دیگر از بعضی معصومین علیهم السلام
که بر ورق آهو نویسد و بر صاحب تب بندد بعد از بسمله اللهم انی اسئلک بعزتک و قدرتک و سلطانک و ما [illegible]
بملکک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تسلط علی فلان ابن فلانه [illegible] مما خلقت [illegible]
[illegible] عظم الدقیق [illegible] اللهم [illegible] من جهنم ان کنت
آمنت بالله العظیم ان لا تأکل لفلان ابن فلانه لحما و لا تمص له دما و لا تنهک له عظما و لا تثور علیه

در بحر المنافع

و لا تحصل علیه [illegible] و ان تتنقل عن بشره و بشره و لحمه و دمه الی من یزعم ان مع الله الها آخر لا اله الا الله
سبحانه و تعالی عما یشرکون و در بحر المنافع [illegible] چند نوع دیگر بیان نموده که گفته‌اند که هر تبی که آغاز او
از بلغم است هر چه در میان روز پیشتر از سحر بود و هر تبی که وقت نماز خفتن آید از خون و تبی که نصف شب آید

در خلاصة التجارب

از باد و بعضی [illegible] خلاصة التجارب جهت تبهای سرد [illegible] نارسیده را بگوید تا شسته باد را به [illegible]
بشکند [illegible] مغز آن در دست بفشرد و بهوای پران [illegible] صباح پیش از طلوع آفتاب بکسی تکلم

نوعی دیگر

کردن برانها این طریق بنویسد اول بسم الله دوم بسم الله سیم بسم الله و هر روز ناشتا [illegible]
یکی را بخورد نوعی دیگر تخم مرغ در صباح روز چهارشنبه قبل از آنکه با کسی سخن کوید بنویسد بسم الله جابر یا
ارحم الراحمین ایما تب [illegible] فلان ابن فلان برو به حق محمد رسول الله [illegible] بعد از آن
ریسمانی که دختر نابالغ رشته بشد بهمین [illegible] بر میان تخم پیچد و در خاکستر گرم پخته کند و زرده [illegible]

محموم بروز ناشتا بخورد و سفیده از اسبک چهار چشم به جهت رفع تب ... و پوستهای زرد آب ... بریان
قوی اندازد و بجهت دفع تب در ریسمان را بر بازوی راست محموم بندد شفا یابد نوع دیگر محمد بن الحسن صفار روایت
کرده که گفت مولای خود امام جعفر صادق علیه السلام گفتم در حالتیکه تب داشتم آنحضرت پرسید که سبب چیست که ترا
حزین می بینم گفتم ای مولای من تب دارم فرمود که هرگاه یکی از شما تب کند تنها بخانه رود و دو رکعت نماز کند
و بعد از آن صورت خود را بر زمین نهد و گوید ده مرتبه یا فاطمه بنت محمد صلی الله علیه وآله استشفع الله بک ... شفا
که شفا یابد ... دیگر ... مجرب است ... بنویسد و در زیر ... تب ...

کهف اما معالجه حمی اللیل بنویسد ... ام حسبت ان اصحاب الکهف
والرقیم کانوا من آیاتنا عجبا اذ اوی الفتیة الی الکهف فقالوا ربنا
آتنا من لدنک رحمة وهیئ لنا من امرنا رشدا از سوره کهف بنویسد



و در زیر بستر که شب تب کند بگذارد تب از او زایل شود ان شاء الله فصل دوم در معالجه تب ربع
و غب و شطر و تب سرد انرا لرز گویند اما معالجه تب ربع منقول است که این آیه را بنویسد و در گردن
بندد و در نسخه دیگر زعفران نویسد و ... بخورد یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم وارادوا به
کیدا فجعلناهم الاخسرین طریق دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که بر دست
راست او بنویسد بسم الله جبرئیل و بر دست چپ بنویسد بسم الله میکائیل و بر پای راست بسم الله اسرافیل
و بر پای چپ او بنویسد فلا یرون فیها شمسا ولا زمهریرا و در میان کتف و بسم الله العزیز الجبار
حضرت فرمود اگر کسی ... نفع نمی [illegible] آنچه ... آن ... مریض
با طهارت باشد در اثنای نوشتن تا ... حاصل نکند نوع دیگر از ... روایت شده که
مردی بخدمت امام رضا علیه السلام آمد حضرت پرسید که ترا چه میشود که رنگ تو زرد و متغیر می بینم عرض
نمود که تب ربع دارم ... حضرت دوات و قلم طلبید و بر کاغذی این را نوشت ابجد هوز حطی
عن فلان بن فلانه باذن الله تعالی و در زیر آن نوشت خاتم سلیمان هفت مرتبه ...